

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

قانون اساسی باید منافع
کارگران، دهقانان،
زحمتکشان و همه خلقهای
ایران را تضمین کند

پنجشنبه ۴ مرداد ۱۳۵۸

قیمت ۱۰ ریال

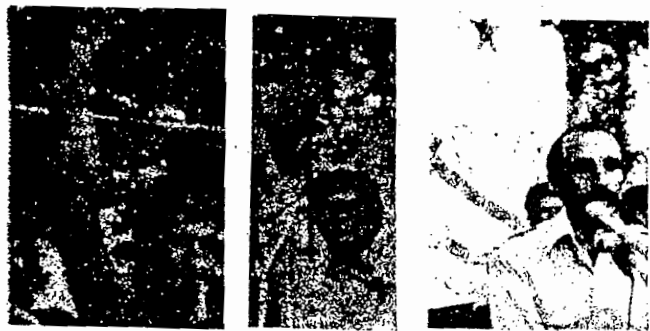
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال اول - شماره ۲۲

در میتینگ بزرگ دانشگاه تهران

کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران موضوع فدائیان را در قبال انتخابات و قانون اساسی اعلام کردند

● قانون اساسی باید همواره شوراها و نهادهای دموکراتیک
را تقویت کند نه این که آنها را تخریب نموده و از بین ببرد



حسین شریعتی (کارگر) / رقیب دانشگری / مصطفی مدنی

شرح مختصری از زندگی رفقای که از طرف
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به عنوان
کاندیداهای تهران، معرفی شده‌اند

* مصطفی مدنی

رفیق مصطفی مدنی در سال ۱۳۲۴ در
دموند متولد شد. رفیق مدنی سالهای آخر
دبیرستان را در تهران گذراند.
طی سالهای ۴۱ تا ۴۳ در دبیرستان
دارالفنون که یکی از کانونهای اصلی مبارزات
بود با مسائل سیاسی آشنا شد و پس از قیام
خونین ۱۵ خرداد ۴۳ با یک گروه سیاسی در
ارتباط قرار گرفت اما سر نوشت این گروه نیز مانند
بقیه گروه‌های جدا از نوده آزمان
پس از قیام ۲۲ بهار و انقلاب ۲۲ خرداد
شد و او همراه با سایر رفقای دستگیر شد.
در زندان با رفیق ییژن جزئی در ارتباط
قرار گرفت و از تجربیات و دستاوردهای
فارس و کردستان به مطالعه زندگی دهقانان
و در ضمن به مطالعه آثار مارکسیستی پرداخت.
در این مدت با نظریات رفیق معبود
احمدزاده آشنا شد. این آشنایی مقدمه‌ای بود
برای فعالیت‌های سیاسی دوباره او با رفقای
قدیمی.
اما هنوز سازماندهی آنها شکل نگرفته
بود که همزمان با شکوفایی جنبش نوین
انقلابی در سال ۵۰ و ۵۱ - یورش بکساره
سواک به گروهها و محافل مارکسیستی شروع
شد و او همراه با سایر رفقای دستگیر شد.
در زندان با رفیق ییژن جزئی در ارتباط
قرار گرفت و از تجربیات و دستاوردهای
فارس و کردستان به مطالعه زندگی دهقانان
و در ضمن به مطالعه آثار مارکسیستی پرداخت.
در این مدت با نظریات رفیق معبود
احمدزاده آشنا شد. این آشنایی مقدمه‌ای بود
برای فعالیت‌های سیاسی دوباره او با رفقای
قدیمی.

در این سخنرانی‌ها گفته شد که قید ما
از شرکت در این جنبش این است که کج
بست آوریم. ما میدانیم که در این مجلس
نمایندگان واقعی مردم حضور نخواهند داشت
و هیچ تصمیمی بنفع زحمتکشان اتخاذ نخواهد
شد. لیکن ما با شرکت در این انتخابات به
افتای ماهیت دولت، ماهیت پیش‌نویس قانون
اساسی و ماهیت «مجلس خبرگان» خواهیم
پرداخت.

در این گردهمایی بزرگ، سخن از
کاندیداهای فدائیان مصطفی مدنی - رقیب
دانشگری و حسین شریعتی - کارگر
و حزبک طی سخنرانی نظر چریکهای فدائیی
خلق را درباره مجلس خبرگان و قانون
اساسی اعلام کردند.

بیش از صد و پنجاه هزار نفر برای اطلاع
از مواضع سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
در میتینگ بزرگ دانشگاه تهران شرکت کردند.
در این میتینگ سخنرانی‌ها در دو بخش
اول مرداد
در زمین چمن دانشگاه تهران و درخیا با نهایی
اطراف آن گردآمدند.

سرمقاله

چرا بجای مجلس مؤسسان، مجلس «خبرگان» را اختراع کرده‌اند؟

با وجود پافشاری‌های فراوان مردم و نیروهای انقلابی برای تشکیل مجلس
موسسان، دولت موقت با نادیده گرفتن خواست مردم، سرانجام «مجلس خبرگان»
را به مردم تحمیل کرد.
ما بارها گفته‌ایم که قانون اساسی باید در مجلس موسسانی که متشکل از
نمایندگان واقعی کارگران، زحمتکشان شهر و روستا و سایر اقشار خلقی باشد
تهیه و تصویب شود. این نمایندگان در صورتی واقعا میتوانند نماینده و سخنگوی
اقشار خلقی باشند که از میان شوراهای کارگران، دهقانان، زحمتکشان و...
برگزیده شده باشند. و در این صورت است که قانون اساسی میتواند دربرگیرنده منافع
حال و آینده اکثریت مردم باشد.

تاریخ نشان داده است که هر جا که انقلابی بوقوع پیوسته اگر کسانیکه
قدرت را بدست گرفتند نماینده واقعی کارگران و زحمتکشان بودند، در انجام
هر امری به نیروی خلق متکی شدند و کارها را از طریق شوراهای مردمی به پیش
برده‌اند، اما برعکس چائیکه پس از قیام مردم نمایندگان طبقات استعمارگر بسوی
قدرت خزیده و حکومت را در دست خود قبضه کرده‌اند، به نقش توده‌ها در اداره
امور پایان داده در عوض با تمام تلاش بمحدود ساختن قدرت و اختیارات توده‌ها
پرداخته‌اند. در اینحال آنها کوشیده‌اند به وسیله ممکن حکومت خود را به مردم
تحمیل کنند.

در مین ما نیز از همان فردای پیروزی قیام کوشش برای خارج کردن
توده‌ها از دایره تصمیم‌گیریها و شرکت آنها در سرنوشت کشور شروع کردید.
شوراهائیکه دستاورد قیام مردم بودند با دشمنی دولت روبه‌رو شدند دولت با تمام
قوا کوشید، و می‌کوشد این شوراهای را که هنوز در ارتش (شوراهای همافران)، در
کارخانه‌ها، در ادارات، دانشگاه‌ها، روستاها و... وجود دارند، برچیند.

به مردم میگویند شما صلاحیت ندارید در امورات دخالت کنید. بکنفر
نمایندم از طرف دولت یا کمیته‌ها بعنوان قیام شما میفرستیم او همچنین را حل و
فصل میکنند! این شیوه محدود کردن حق شرکت مردم در سرنوشت خویش تا
بدانجا کشیده میشود که در مورد تنظیم قانون اساسی هم آنها تصمیم میدهند.
با این منطقی استدلال میشوند که لزومی ندارد واسولا صلاح نیست که مردم
به اصلاح عامی بی‌سواد در امور قانونگذاری بمجلس موسسان راه یابند و قانون
اساسی را تنظیم کنند. آنها «صلاحیت» اینکار را ندارند. پس نتیجه آنکه ابتدا
بقیه در صفحه ۴

مصطفی مدنی اولین سخنران این جلسه بود.
قسمتی از سخنان او را در زیر میخوانید:
با درود بیکران به کارگران، زحمتکشان و
بقیه در صفحه ۴

امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع منطقه دربرابر آرمان خلق فلسطین

از نوزده پیش تاکنون، هر روز شدت تیردها
در جنوب لبنان افزایش یافته است. این جنگ
ها در امتداد نوار جنوبی و برخی مناطق داخلی
منطقه مذکور جریان دارد. نیروهای اسرائیلی
با تمام امکانات خود اعم از نیروهای هوایی
و دریایی و توپخانه در جنگ شرکت میکنند.
آنها بخش عمده‌ای از نیروی زمینی خود را نیز
تحت پوشش نیروهای وابسته به راست‌گرایان
(فالاترست‌ها) وارد عمل کرده، و حتی با تله‌عیه
توده‌های منطقه «جبل عامل» و نیروهای ملی
بقیه در صفحه ۴

رهنمود به هواداران

رفقا!
بیش از پنج‌ماه از قیام خونین ۲۱ بهمن
میگذرد در این مدت کارگران، دهقانان و
زحمتکشان میهن‌ها، که با قیام خونین و
سلطانه خویش رژیم دیکتاتوری شاه را
سنگون کردند و منتظر تغییرات اساسی در
بقیه در صفحه ۷

پیش‌نویس قانون اساسی

ابتدائی‌ترین حقوق کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان را نادیده گرفته است

شدت گرفتن بحران در اواسط دهه ۵۰
موجب میشد که دیگر شاه و درباریان
توانند مانند سابق بحکومت خود ادامه
دهند و توده‌های مردم نیز تن به آن

تا سرمایه‌داری وابسته برقرار است مسئله مسکن زحمتکشان حل نخواهد شد

در پیش‌نویس قانون اساسی به هیچ یک از حقوق ابتدائی کارگران و
زحمتکشان اشاره‌ای نشده است.
در پیش‌نویس بویژه از ابتدائی‌ترین حقوق یعنی حق داشتن کار و حق
داشتن مسکن مناسب هیچ صحبتی در میان نیست.
به این مناسبت ما مقاله‌ای تحت عنوان «تا سرمایه‌داری وابسته برقرار است
مسئله مسکن زحمتکشان حل نخواهد شد» تهیه کرده‌ایم که بخشی از آن را در
این شماره و بخش دیگر آن را در شماره آینده به چاپ می‌رسانیم.
بقیه در صفحه ۵

کارگران متحصن را به گلوله بستند

● هفت‌کارگر در نتیجه تیراندازی افراد کمیته مجروح شدند
در صفحه ۴

دولت انقلابی نیکارگونه

برنامه اقدامات فوری خود را اعلام کرد
در صفحه ۷

قانون اساسی باید حافظ دستاوردهای قیام باشد

چرا بجای مجلس مؤسسان...

گفتند کافی است یکم. قانون اساسی را در اطاقهای درسته تنظیم کنند و پس از تصویب شورای انقلاب به همپرسی بگذارند، سپس وقتی سرورسها بلند شد و اعتراضات افزون گردید، رضایت دادند که تعداد ۷۲ نفر از «خبرگان» یعنی همان متولیان و قیام‌های مردم که با اصطلاح انتخابی هم خواهند بود، طرح پیش نویس قانون اساسی را مورد بررسی قرار داده و بتصویب مقدماتی برسانند و سپس به همپرسی بگذارند. باین ترتیب بجای مجلس مؤسسان که باید به وسیله نمایندگان واقعی مردم نقش تاسیس کننده داشته باشد «شیر بی‌دال و دم و اشکمی بنسام» «مجلس خبرگان» اختراع میکنند.

معلوم نیست از دید اینها قانون اساسی باید چه چیز را ایجاد کند که احتیاج به «خبره» دارد؛ مگر جز این است که قانون اساسی باید روابط و مناسبات جامعه را بر بنیاد منافع کارگران و زحمتکشان شهر و روستا و سایر اقشار خلقی تنظیم کرده و تداوم انقلاب را تامین کند؟ پس چه کسانی میتوانند این امر را بانجام رسانند؟ آیا جز کسانی که در قیام مردم شرکت کردند و به انقلاب خلق معتقد بوده و به منافع توده‌های زحمتکش مومن باشند؟

این کسان تنها و تنها نمایندگان واقعی مردمی هستند که با شرکت در قیام، فداکاریها و جانباختنها نمودند تا اینکه قیام را به پیروزی رسانند. اما از دید مدافعان مجلس «خبرگان» چنین نیست. کافی است کسانی که در امور قانونگذاری، آنچه نوع خاص آن «خبره» باشند بجای نمایندگان واقعی توده‌ها، برای آنان قانون اساسی بنویسند. ولابد همین منطق را فردا در مورد مجلس شورای ملی هم بیان خواهند کرد. مردم سؤال میکنند مگر این «خبرگان» از قماش همان «خبرگان» نیستند که این پیش نویس قانون اساسی را تنظیم کرده اند؟ دیگر این پیش نویس چیزی جز در خدمت سرمایه داران و تثبیت همان سیستم سرمایه داری وابسته و نفی حقوق اساسی مردم نیست؟ آیا این قانون حقوق زحمتکشان را تامین کرده است؟ آیا حقوق خلقهای تحت ستم ملی و فرهنگی ما را تضمین کرده است؟ آیا حق مساوی زنان با مردان را در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تامین کرده است؟ آیا اصولی برای حرکت در جهت قطع کامل نفوذ سیاسی، اقتصادی نظامی و فرهنگی امپریالیسم تدوین کرده است؟ حال این «خبرگان» میخواهند چکار کنند؟ با ززمه‌هایی که شنیده میشود و از سخنان این «خبرگان» ظرف چند هفته اخیر نیز معلوم شده است چنین نظر می‌رسد که میخواهند همین پیش نویس را هم در جهت تثبیت منافع طبقاتی و قشری خود تغییر دهند. بعبارت دیگر اگر تنظیم کنندگان پیش نویس در نوشتن یک قانون اساسی برخلاف منافع واقعی توده‌های زحمتکش وقت لازم را نداشته‌اند «خبرگان» این امر را بنحو «احسن» تکمیل کنند. و در خدمت باین هدف است که از دید هیئت حاکمه کنونی، مجلس «خبرگان» به مجلس مؤسسانی که با تعداد بیشتری نماینده تشکیل شود برتری قابل توجهی دارد. از دید آنان این امتیازات بشرح زیر هستند:

۱- هیئت حاکمه کنونی بجای آنکه با ۷۰۰ نماینده (از هر ۵۰ هزار نفر یک نماینده) روبرو باشد تنها با ۲۳ نماینده روبروست و مسلم است که کنترل این عده بر مراتب آسان تر است.

۲- بفر ضمیمه کردن ۷۰۰ نفر برای فرستادن به مجلس مؤسسان احتمال آنکه از بین ۷۰۰ نفر نماینده افراد باصلاح نایاب پیدا شوند که حاضر نباشند درست فرمانبرداری کنند، وجود دارد. بنابراین به ۷۰۰ نفر نمیتوان اطمینان کرد.

۳- با بالا بردن نصاب هر ۵۰۰ هزار نفر یک نماینده و در اختیار داشتن ریش و قیچی درست خود، داشتن امکانات وسیع تبلیغاتی و رسانه‌های گروهی نظیر رادیو تلویزیون، و امکانات دولتی هیئت حاکمه با خیال راحت میتواند اطمینان داشته باشد که فقط کاندیدهای خودشان به مجلس «خبرگان» راه یافته و مجلس بی «اغیار» تشکیل خواهند داد. در این صورت با احتمال زیاد دیگر کسی پیدا نمیشود که ماهیت این قانون و این مجلس را برای توده‌ها افشا کند.

۴- اصولا با دادن عنوان «مجلس خبرگان» به مجلسی که وظیفه تنظیم قانون اساسی را دارد در ذهن توده‌های ناآگاه، که متأسفانه در شرایط کنونی درسد بالای را تشکیل میدهند، چنین تلقین میکنند که این مجلس، نباید مجلس نمایندگان کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان و اقشار خلق باشد، بلکه فقط «خبرگان» و «متولیان» و «قیام‌های» آنها و خلاصه افراد با اصطلاح «باسالاحت» شایستگی شرکت در آن را دارند و باین ترتیب فکر توده‌ها را از فرستادن نمایندگان با مجلس منصرف کنند. (البته عناصر آگاه بخوبی میداند که هیچ کس مثل خود کارگران و زحمتکشان در امور آنها خبره نیست).

۵- اگر نصاب ۵۰ هزار نفر یک نماینده ملاک می‌بود، و آزادی انتخابات هم وجود داشت، آنوقت مسلما از میان خلقها، کارگران، دهقانان و زحمتکشان، نمایندگان باندازه کافی در مجلس مؤسسان شرکت میکردند که نگذارند هیئت حاکمه آنچه را که منافع طبقاتشان حکم میکند در قانون اساسی بکنجاند. در حالیکه با این مجلس «خبرگان» این خطر برای هیئت حاکمه وجود ندارد.

۶- با این چنین مجلسی هیئت حاکمه انتظار دارد که هر چه زودتر سرتو قضیه قانون اساسی را هم بیاورد چون میدانند گذشت زمان بمسودش نیست و هر روز که میگذرد اولاً تضادهای درونی خودشان تشدید میشود و ثانیاً توده‌های وسیع تری از مردم به ناپسامانی امور، ماهیت هیئت حاکمه، و اینکه می‌خواهند انقلاب را در نیمه راه متوقف کنند، می‌خواهند مسیر مبارزات ضد امپریالیستی توده‌های انقلابی مردم را منحرف سازند، بی می‌برند.

اینها علی‌الغالب است که هیئت حاکمه کنونی روی تشکیل مجلس خبرگان بجای مجلس مؤسسان حتی بشکل باقی آن، اینهمه اسرار ورزید و بالاخره با تحصیل نظرش ب مردم آنرا مجمل کرد. شک نیست که آنها از درجه منافع طبقاتی خود باین اقدامات که به زیان خلق است دست زده‌اند. مجمعی که می‌خواهند سرهم بندی کنند دقیقا نفی حاکمیت مردم است.

ما برخلاف کسانی که میگویند مردم حق قانونگذاری ندارند متقدمیم که فقط کارگران، دهقانان، زحمتکشان و سایر اقشار خلقی یعنی اکثریت جامعه هستند که حق تنظیم، تدوین و تصویب قانون اساسی را دارند. بنظر ما نظر:

امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع منطقه...

که نقش ارتجاعی آنها و خیانتان به آرمان فلسطین و همکاری و همدستی آنها با امپریالیسم و فلاتریتها و صهیونیستها در جریان جنگ تل زغر بیش از پیش بر خلق منطقه بویژه خلق فلسطین آشکار شده است.

در برابر این تجاوزات آشکار و توطئه‌های سنگین از سوی ملتشوم امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع منطقه وظیفه نیروهای واقفانقلابی عبارت است از:
۱- شرکت در دفاع از انقلاب فلسطین و توده‌ها و سرزمین جنوب لبنان و افشای ماهیت ایس عوامل توطئه گر و خیانتکار و برداشتن نقاب از چهره حقیقی و کره آنان.

۲- ما هشدار میدهم که جریان حوادث و توطئه صهیونیستی - فلاتریتی یعنی توطئه‌ای که از سوی امپریالیسم امریکا دست‌نشاندها گسترش پشیمانی میدهد، آنگهان افساد گسترده‌ای پیدا کرده است که جز با پشترانه مواجعت مثبت و عملی در پشتیبانی و تأیید همه جانبه جنبش فلسطین، نمیتوان از شرکت در مبارزه با آن توطئه‌ها دم زد. بهمین جهت تأکید میکنیم که زمان موضع‌گیری‌هایی که در حرف و بدون پشتوانه عمل است سررسیده است.

۳- ما با آگاهی به حقیقت سرنوشت مشترک خلق ما و جنبشهای منطقه و نیز با درک ماهیت دشمن مشترک، از نیروهای انقلابی میخوانیم که به پشتیبانی و دفاع قاطعانه از جنبش انقلابی فلسطین و جنبش مترقی لبنان برخیزند.

۴- دولت موقت تنها تاکنون هیچ اقدامی در حمایت از انقلاب فلسطین انجام نداده بلکه با پشتیبانی از گروه امل، عملا موضع خود را در مقابل جنبش خلق فلسطین نشان داده است. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، بار دیگر تأکید می‌کند که آماده است با تمام نیرو در کار خلقهای قهرمان فلسطین و لبنان و به صهیونیسم و نیروهای ارتجاعی بیکار کند. دفاع از انقلاب فلسطین و جنبش ترقیخواهانه لبنان، خواست توده‌های وسیع خلقهای سراسر ایران است.

مدیرانه در نزدیکی شهرک میدا شروع شد و در طول منابع آب موجود در دامنه‌های سلسه جبال لبنان امتداد یافته به بل «فرعون» میرسد و از آنجا از خط قاعل بین حبله «قرن» و حبله «تین» گذشته تا پشته‌های شرقی و غربی «جبل شیخ» میرسد این خواست ها همان چیزی است که همواره سرکردگان موجودیت صهیونیستی، به هرمناسبتی مستقیما روی آن‌ها تأکید کرده و میکنند. مثلا در سال ۱۹۱۸ «بن‌گوریون» کسی که بعدها اولین رئیس دولت اسرائیل شد اظهار داشت حدود شمال دولت اسرائیل باید «جبل شیخ» و امتداد منابع آبی آنرا شامل شود. عین گفته او چنین است:

«جبل شیخ سرچشمه منابع آبی فلسطین است و نمیتوان آنرا از فلسطین جدا کرد. این سلسه جبال باید تماما تحت سیطره کسانی باشد که فلسطین آنرا آنهاست». دیان نیز بدینال شکست اهراب در سال ۱۹۶۷ خطاب به سربازان صهیونیست با عوسطالی اظهار داشت: «مرزهای طبیعی اسرائیل جز مرزهای شمال آن، تاکنون تحقق یافته است.»

از این رو میتوان حجم و ماهیت توطئه‌ای را که این روزها علاوه بر جنگهای تجاوزگرانه مستقیم صهیونیست‌ها، از سوی نیروهای دست راستی و جریانهای ارتجاعی محلی در جنوب لبنان علیه جنبش مقاومت فلسطین و توده‌های لبنانی جریان دارد دریافت. توطئه‌ای که بوسیله برخی عناصر مرتجعی که ماهیت و گذشته کثیف آنان برای توده‌های مردم چه در میان خلق فلسطین و در جنوب لبنان و چه در میان ما آشکار است، بدان دامن زده میشود، نقش این عناصر مرتجع و راست، بویژه از آن جهت حائز اهمیت است که با تبلیغات زهر آکین و خائنه‌ها خوش زمینه توجیه سیاستهای تجاوزگرانه صهیونیستی-امپریالیستی را آماده کرده با پوشش دروغین دفاع از مردم جنوب لبنان، بی‌شرمانه از پشت به انقلاب فلسطین و مبارزات توده‌های لبنانی خنجر می‌زنند. منظور ما نیروهای دست راستی و ارتجاعی امل است

۵- گسترده کردن مناطق زیر نفوذ نیرو هائی که با صهیونیست‌ها ائتلاف دارند، این امر از راه انضمام مناطق جدیدی به محدوده اشغال شده میتواند صورت بگیرد.

۶- فرسایش توان انقلاب فلسطین و باز داشتن این انقلاب از روبروئی با توطئه‌های تسلیم طلبانه و تابع شوم موافقت‌نامه‌های خیانت آمیز سادات با دشمن صهیونیستی، کند کردن و بازداشتن نیروهای انقلاب فلسطین و جنبش ملی و ترقیخواه لبنان از متمرکز کردن نیرو و وارد آوردن شره‌هایی صهیونیسم و امپریالیسم. ۷- زمینه سازی برای تحقق، خواب، های پلید و تومس‌طلبانه، صهیونیست‌ها مبنی بر ست اندازی بر تمامی «جبل عامل» در جهت اجرای سیاست عسومی صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها که اساس آن در کنگره «صلح» ۱۹۱۹ (بین انگلیس و فرانسه و امریکا) پایه‌گذاری شد. همانطور که در اسناد رسمی صهیونیست‌ها در زمینه حدود مورد ادعای دولت اسرائیل ذکر شده این منطقه از شمال در کنار دریای

کارگران متحصن را به گلوله بستند

شیر. ماموران کمیته پس از تیراندازی به کارگران پراکنده می‌شوند روز بعد امل می‌کند که کارگران پسوی آنها تیراندازی کرده‌اند! کارگران ضمن اعتراض شدید باین اقدام چند تن از ماموران «دیان دریای» را که در هنگام وقوع حادثه در محل بودند به شهادت می‌گیرند و آنها نیز تأکید می‌کنند که کارگران صلح نبوده و تیراندازی از جانب ماموران کمیته انجام گرفته است.

کارگران متحصن شرکت آمریکائی «پراون اندروت» که پس از ماهی بیکاری و سختی و فشار زندگی این چنین ناچاراندرانه به گلوله بسته شده‌اند خواهان دستگیری و مجازات خوری عاملان تیراندازی شدند و اظهار داشتند: چنانچه مقامات دولتی عاملان تیراندازی را دستگیر نکنند، مجبور خواهند شد این اقدام را خود انجام دهند.

کارگران شرکت پالکریس خواهان ادامه کار هستند

سنگر سنان - نمایندگان ۲۰۰ نفر از کارگران شرکت پالکریس از تاریخ ۲۳ تیر در محل شرکت متحصن شدند. این نمایندگان که حدود ۲۰ نفر هستند خواهان پرداخت هشتماه حقوق عقب‌افتاده و مزایای کارگران هستند. شرکت پالکریس یکی از شرکتهای هزر بی‌زاد است که ملی شده است.

کارگران که در استخدام رسمی شرکت هستند کارهای ساختنی یک کارخانه ریسندهی و پانفندگی را به پایان رسانده‌اند. طبق قرار قبلی کارگران باید در همین کارخانه استخدام شوند ولی مدیران فعلی از کارگران می‌خواهند که تصفیه حباب کنند. کارگران ضمن پانفندی برای دریافت تیراها و حقوق عقب‌افتاده خود خواهان ادامه کار در کارخانه هستند.

بیش از ۲۰۰ تن از کارگران شرکت آمریکائی «پراون اندروت» که بی‌سازگار ساخته‌ای تاسیسات چاپ‌ها (نیروی دریائی) بوده است از اوایل پائیز سال گذشته بیکار شدند. کارگران که برای دریافت حقوق خود بارها بمشولان وزارت کار و نیروی دریائی مراجعه کرده و عملا نتیجه‌ای نگرفته بودند صبح روز یکشنبه ۲۳ تیر در محل شرکت که در اختیار نیروی دریائی است؛ متحصن می‌شوند.

قبلا به کارگران گفته شده بود روزیکشنبه حقوقشان پرداخت خواهد شد، اما از آنجا که مشولان باین وعده عمل نکردند کارگران تصمیم به تحصن می‌گیرند. کارگران نخستین روز تحصن خود را با آرامش نسبی می‌کنند و ضمن مشکل شدن شرط پایان تحصن را دریافت حداقل خواست خود یعنی دریافت حقوق، قرار می‌دهند، اما در آخرین ساعات یکشنبه، هنگامیکه گروهی از کارگران خوابیده بودند،

ماموران صلح کمیته ۳ به محل تحصن مراجعه می‌کنند و از کارگران می‌خواهند به تحصن غایبانه دهند. چندتن از کارگران در حال بر سر شردن خواستهای خود و توضیح دادن به ماموران کمیته و پانفندی به ادامه تحصن بودند که ناگهان ماموران صلح شروع به تیراندازی می‌کنند که هفت تن از کارگران مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرند. اسامی این کارگران عبارت است از: مجید سوفی، قربان حسن پور، رضا قاضی، غلام قاضی، حسین فرج‌اللهی، محمدریسی و محمود

کارگران متحصن را چگونه به گلوله بستند؟ اکثریت مردم خود قانون است. البته نظری که در شرایطی دموکراتیک و نه در این شرایط توسط نمایندگان واقعی اکثریت مردم بدقوانین اساسی تبلور یافته و روابط و مناسبات جامعه را بوجود آورد. بنظر ما هیچ مرجع دیگری چنین سندی نیست.

ما همانطوریکه قبلا گفته‌ایم برغم همه این مسائل و برغم آنکه این مجلس را صالح برای تنظیم قانون اساسی می‌پسندیم و کوچکترین اعتقادی باینکه این چنین مجلسی میتواند سندی ب نفع مردم ارائه دهد نداریم و نتیجه از قبل برایمان معلوم است، اما از آنجا که وظیفه خود میدانیم از تمام امکانات استفاده کرده تا واقیات را هر چه روشن تر برای مردم توضیح دهیم لذا تصمیم گرفته‌ایم که در این انتخابات مجلس خبرگان شرکت کنیم.

ما خواهان تساوی کامل حقوق اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زنان با مردان هستیم

از اعتصاب کارگران شرکت ساختمانی پیروز چه درسهایی می توان آموخت؟

آنچه که در خواستهای کارگران بخصوص جلب توجه می کند محرومیت آنها از ابتدائی ترین حقوق و زورگویی بیش از حد کارفرماست. مثلا ساعات کار کارگران آنقدر طولانی است که آنها تقاضا کرده اند که ۱۱ ساعت کار به ۸ ساعت تقلیل یابد و حال آنکه می دانیم بسیاری از کارگران برای رسیدن ۴۵۰ ساعت کار در هفته مبارزه می کنند. و از همه مهتر با این استعمار وحشیانه مزد کارگران نیز بسیار ناچیز است. اما از اعتصاب کارگران شرکت ساختمانی پیروز چه درسهایی می توان آموخت؟

کارگران بدترستی به این نتیجه رسیدند که به جز با اقدامات قاطع نمی توان کارفرما را به عقب نشینی وادار کرد و به خواستهای خود رسید. به همین علت بود که دست به اعتصاب زدند و تاحدی موفق هم شدند. اما اشتباه کارگران در این است که باز هم قبول کردند که به پاره ای از خواستهای آنها درآیند رسیدگی شود. کارگران می بایستی قاطعانه ایستادگی می کردند و به همه خواستهای منفی خود می رسیدند. تجربه های بسیاری نشان داده است که کارفرما همیشه امروز و فردا می کند و سعی می کند تا آنجا که ممکن است به خواستهای کارگران جواب مثبت ندهد.

تهران - کارگران شرکت ساختمانی پیروز که از تاریخ سوم تیرماه ۵۸ به منظور رسیدن به خواستهای برحق خود دست به اعتصاب زده بودند در تاریخ ششم تیرماه ۵۸ به اعتصاب خود پایان دادند.

کارگران این شرکت که در بدترین شرایط زندگی پریشانی را می گذرانند و در ازاء ۱۱ ساعت کار روزانه ۶۵ تا ۶۵ تومان مزد می گیرند. پس از مذاکرات بی نتیجه خود با کارفرما و عقب افتادن چند ماه حقوقشان سرانجام دست به اعتصاب زدند و خواستهای خود را به شرح زیر مطرح نمودند.

- ۱- پرداخت حقوق عقب افتاده
- ۲- کاهش ساعات کار به ۸ ساعت در روز.
- ۳- افزایش دستمزد به میزان ۸۵ تا ۸۵ تومان در روز.
- ۴- پرداخت حقوق در سر هر ماه.

بالاخره پس از سه روز اعتصاب حواله ای به کارگران داده شد که حقوق عقب افتاده خود را در عرض سه یا چهار روز دریافت کنند و حقوق ماه گذشته ۲۵ الی ۲۵ روز دیگر پرداخت شود. کاهش ساعات کار و خواستهای دیگر کارگران نیز به بعد موکول شد.

قطعه نامه کارگران شهرستان بانه در تظاهرات و راهپیمایی روز ۲۸ تیر ۵۸

۱- به هم ملحق شدن دو سندیکای شهر و تشکیل یک سندیکای واحدی که نماینده خواستهای کارگران شهر باشد.

۲- تثبیت کار روزانه ۸ ساعت برای کارگران.

۳- تعطیلی روز جمعه برای کارگران و احتساب حقوق آن در روز از طرف صاحب کار.

۴- برکناری سید خلیل از نمایندگی کارگران و استاد احمد فتاحی از معساری و کارشناسی شهرداری.

۵- نماینده باید یک نفر کارگر و زحمتکش و از خود ما باشد نه کسی دیگر.

۶- وام باید به کارگران بیکار و از کار افتادگان و واجدین شرایط داده شود نه کسی دیگر.

۷- برابری حقوق کارگران زن و مرد به تساوی.

۸- معمار شهردار باید فقط در حیثه اختیارات خود عمل نماید (یعنی فقط نقشه برداری) نه دخالت در انتخاب کارگر و بنا و آزار آنها.

۹- به کارگرفتن کارگران بومی (مگر در صورت ضرورت و احتیاج).

۱۰- تامین بیمه کارگران واجد شرایط و مستحق.

۱۱- کارفرما بدون بهانه مشروع حقیق اخراج کارگر را ندارد.

۱۲- پرداخت دستمزد کارگران در روزهای بیماری.

۱۳- پشتیبانی از خواستهای کارگران تمام ایران بخصوص آزادی کارگران زندانی شرکت نفت.

۱۴- ایجاد کارخانه در کردستان.

ما از دولت و مسئولان امر سؤال می کنیم که ما ساهل نشینان از چه طریقی باید شکم خود و زن و بچه هایمان را سیر کنیم؟ ما تابع آن نوع برنامه دولتی هستیم که بتواند حد اقل زندگی ما را تأمین کند و در قبال آن سندیکای صیادان تهدید می نماید که جلوگیری از صید بی رویه در موقع تخم ریزی را بعهده بگیرد.

در قست دیگری از این اعلامیه صیادان نوشتند:

«ما مصراغه خواهیم انحلال گارد شیلات و پرداخت هزینه حفاظت از دریا به صیادان ساحلی هر منطقه می باشیم. ما جهت مذاکره با مقامهای ذیصلاح دولتی (شیلات، استاندار، ژاندارمری) آماده ایم اما دیگر حسی در صورت اتخاذ روشهای سابق و توسل به زور حاضر نیستیم عقب نشینی کرده و از گریزگی تلقی شویم.»

جریمه و تنبیه باید در کارخانه ها از بین برود

هنوز هم در کارخانه ها جریمه و تنبیه بدنی مانند دوران رژیم سابق اعمال می شود. سرمایه داران و عاملین آنها از هر فرصتی استفاده می کنند تا کارگران را زیر فشار شدید قرار دهند. آنها به حیوانی ترین شیوه ها بر علیه کارگران متوسل می شوند. درست است که تا زمانی که رژیم سرمایه داری در کشور ما حاکم باشد به اشکال مختلف کارگران تحت ستم و استعمار قرار می گیرند. اما حتی در کشورهای سرمایه داری هم هیچکس حقیق ندارد که کارگر را کتک بزند. به آنها توهین کند و به بهانه های مختلف آنها را جریمه کند.

تاریخچه جنبش کارگران جهان شاهد مبارزه قاطع و حتی قیام کارگران بر علیه خود شده اند. اما تاکنون به خواست آنها توجهی نشده است.

ما تلاش کارگران نورد ذوب آهن: پاداش، بین کارگران، تکنیسین ها و مهندسین بطور مساوی تقسیم شد

این پاداش جرمانه براساس میزان حقوق تقسیم می شد و کارگران که پائین ترین حقوق را دریافت می کردند پاداش بیشتری می گرفتند اما اسامی با اقدام انقلابی کارگران این نابرابری از میان رفت.

کارگر از آگاهی سیاسی و مهارت زیادی در کار برخوردار بود و سالیهای عمرش را در شرایط سخت صرف تامین معاش خانواده اش کرده بود. مراسم ختم او با شرکت عده زیادی از روستائیان و هواداران سازمان برگزار شد.

بوکان - بار دیگر یکی از کارگران میهن ما قربانی محیط غیر بهداشتی کار شد. عبدالله ابراهیمی کارگر جوشکار روستای تیکان تپه بوکان در حین کار روی یک بشکه نفت به علت انفجار بشکه دچار آتش سوزی شد و بر اثر سوختگی شدید درگذشت. این رفیق



هشدار صیادان به دولت

در اعلامیه ای که از طرف سندیکاهای صیادان مناطق بندر ترکمن و گمش ده انتشار یافته، آمده است:

«از تیرماه گذشته ژاندارمری بندر ترکمن و شیلات آنوراده مبارزه با صیادان حاشیه نشین دریای خزر را مانند سابق از سر گرفته اند. ما تراکنه ساحل نشین که زمینهای زراعتی مان را رژیم سابق به زور از دستمان گرفته است هیچ منبع معاشی غیر از دریا نداریم. آیا ما باز هم باید با مأموران مسلح ژاندارمری روبرو باشیم؟ ما قبول داریم که دریایه ملت ایران تلف شود و در قبال آن و محل زندگی ما طوری است که منبع درآمدی غیر از دریا نمی توانیم داشته باشیم. ما از دولت و مسئولان امر سؤال می کنیم که ما ساهل نشینان از چه طریقی باید شکم خود و زن و بچه هایمان را سیر کنیم؟ ما تابع آن نوع برنامه دولتی هستیم که بتواند حد اقل زندگی ما را تأمین کند و در قبال آن سندیکای صیادان تهدید می نماید که جلوگیری از صید بی رویه در موقع تخم ریزی را بعهده بگیرد.»

در قست دیگری از این اعلامیه صیادان نوشتند:

«ما مصراغه خواهیم انحلال گارد شیلات و پرداخت هزینه حفاظت از دریا به صیادان ساحلی هر منطقه می باشیم. ما جهت مذاکره با مقامهای ذیصلاح دولتی (شیلات، استاندار، ژاندارمری) آماده ایم اما دیگر حسی در صورت اتخاذ روشهای سابق و توسل به زور حاضر نیستیم عقب نشینی کرده و از گریزگی تلقی شویم.»

تشکیل سندیکای صیادان

صیادان منطقه بندر ترکمن جهت تشکیل سندیکای در روز شنبه ۱۹ تیرماه ۵۸ در محل شهرداری این شهر اجتماع کردند. پس از ایراد سخنرانی هائی توسط یکی از صیادان و نمایندگی کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن - بندر ترکمن درباره لزوم حفظ هستگی و ایجاد زحمتکشان و همچنین بحث در مورد مشکلات صیادان منطقه از میان داوطلبین نمایندگی سندیکای رای گیری بعمل آمد و ۵ نفر به عنوان عضو اصلی و دوفتر علی البدل انتخاب شدند.

سندیکای صیادان منطقه بندر ترکمن هدفها و خواستهای فوری خود را به شرح زیر اعلام کرد.

- ۱- انحلال گارد شیلات و پرداخت هزینه حفاظت از دریا که به ژاندارمری تعلق می گرفت به صیادان ساحلی هر منطقه. در قبال آن سندیکای صیادان تهدید می کند که جلوگیری از صید بی رویه در مواقع تخم ریزی را به عهده گیرد.
- ۲- رسمیت یافتن صیادان آزاد از طرف شیلات.
- ۳- صدور کارت صیادی به صیادان آزاد از طرف شیلات منطقه با معرفی سندیکای صیادان.
- ۴- احداث فروشگاه ماهی در شهر و بخش های ترکمن نشین توسط صیادان آزاد.

صیادان منطقه بندر ترکمن جهت تشکیل سندیکای در روز شنبه ۱۹ تیرماه ۵۸ در محل شهرداری این شهر اجتماع کردند. پس از ایراد سخنرانی هائی توسط یکی از صیادان و نمایندگی کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن - بندر ترکمن درباره لزوم حفظ هستگی و ایجاد زحمتکشان و همچنین بحث در مورد مشکلات صیادان منطقه از میان داوطلبین نمایندگی سندیکای رای گیری بعمل آمد و ۵ نفر به عنوان عضو اصلی و دوفتر علی البدل انتخاب شدند.

سندیکای صیادان منطقه بندر ترکمن هدفها و خواستهای فوری خود را به شرح زیر اعلام کرد.

اخبار کوتاه کارگری

بوکان - کارگران کوره پزخانه آریا. واقع بر جاده میان بوکان و بوکان برای دریافت مزد برابر با کارگران دیگر کوره پزخانه ها به کارفرما مراجعه کردند اما او با پرداخت به کارگران گفت که اگر با این شرایط حاضر به کار بیاید اخراج خواهید شد و وقتی با مقاومت کارگران روبرو شد کارگران را با زور اسلحه از محل کارشان اخراج نمود. کارگران این کوره پزخانه تصمیم گرفتند که به هیچ وجه زیر بار ستم سرمایه دار نروند و مبارزه خود را برای بازگشت به کار و دریافت مزد مناسب ادامه دهند.

گرمسار - کارگران قالب سازی تولید سوسپول گرمسار هنگامی که روز جمعه ۲۲ تیر ۵۸ به عنوان اعتراض به ستم خود مانع خروج آجر از کوره پزخانه شده بودند مورد حمله گروهی از عمال کارفرما قرار گرفته و چند نفر از آنها مجروح شدند. کارگران قالب

بوکان - کارگران کوره پزخانه آریا. واقع بر جاده میان بوکان و بوکان برای دریافت مزد برابر با کارگران دیگر کوره پزخانه ها به کارفرما مراجعه کردند اما او با پرداخت به کارگران گفت که اگر با این شرایط حاضر به کار بیاید اخراج خواهید شد و وقتی با مقاومت کارگران روبرو شد کارگران را با زور اسلحه از محل کارشان اخراج نمود. کارگران این کوره پزخانه تصمیم گرفتند که به هیچ وجه زیر بار ستم سرمایه دار نروند و مبارزه خود را برای بازگشت به کار و دریافت مزد مناسب ادامه دهند.

گرمسار - کارگران قالب سازی تولید سوسپول گرمسار هنگامی که روز جمعه ۲۲ تیر ۵۸ به عنوان اعتراض به ستم خود مانع خروج آجر از کوره پزخانه شده بودند مورد حمله گروهی از عمال کارفرما قرار گرفته و چند نفر از آنها مجروح شدند. کارگران قالب

توسعه کارفرما علیه کارگران آذربای

مشولین کارخانه آذربای از جمله مبادار عمده آن قاسم معساری بعد از قیام دست به اخراج کارگران مبارز زده و عمال مسلح «سوارباب» را در اطراف کارخانه مستقر کرده تا کارگران نتوانند علیه اخراج نمایندگان و همکاران خود اعتراض نمایند. کارگران اخراجی در نامه کتبه خود به وزیر کار توطئه ها و اعمال ضد انقلابی مشولان کارخانه را افشا و خواستهای خود را به شرح زیر اعلام کرده اند.

- ۱- بازگشت بدون قید و شرط نماینده کارگران.
- ۲- پرداخت حقوق و دستمزد عادلانه.
- ۳- پرداخت کلیه مزایای کارگری مندرج در قانون کار.
- ۴- پرداخت سود سهام سال ۵۶-۵۷.
- ۵- تصفیه کلیه عوامل ضد انقلابی و ضد کارگری.
- ۶- رسمی نمودن کارگران.
- ۷- پرداخت دستمزد عادلانه.
- ۸- تشکیل بدون قید و شرط شورای کارگری در سطح کارخانه.
- ۹- بیمه نمودن تمام کارگران.
- ۱۰- ارسال لیست حقوق و دستمزد دریافتی به اداره بیمه.

از طرف کارگران اخراجی آجبر میباشی ارومیه

کارگران کوره پزخانه های کرمانشا

علیه هر رژیم ضد کارگری مبارزه می کنیم

کرمانشا - کارگران کوره پزخانه های کرمانشا با انتشار اعلامیه ای خواستهای خود را مطرح کرده و اعلام داشتند که در صورت عدم رسیدگی به این خواست دست به اعتصاب خواهند زد.

در اعلامیه کارگران کوره پزخانه های کرمانشا آمده است:

ما کارگران زحمتکش بخاطر محرومیت هایی که داشته ایم همواره در کنار دیگر کارگران جامعه در مقابل رژیم که مشول این همه خرابی وضع ما بود قرار داشتیم و علیه آن مبارزه کردیم تا در فتردی پیروزی دیگر حاصل نمیشد. ما هیچ مفتخوره های زانو مفت نرود و ولی متاسفانه در این چند ماهی که از انقلاب گذشته نه تنها وضع ما زحمتکشان تفاوتی نکرده بلکه فشار بیشتر شده است و اگر هم اعتراض بکنیم می گویند صبر انقلابی داشته باش. بخاطر انقلاب گذشت کن تا زانو به همایت از گریزگی بپیرند. گذشت کن تا صاحب کار روزی جز جاکت از روزی قبل خود. چرا گذشت را آن سرمایه داران و کارخانه داران

کرمانشا - کارگران کوره پزخانه های کرمانشا با انتشار اعلامیه ای خواستهای خود را مطرح کرده و اعلام داشتند که در صورت عدم رسیدگی به این خواست دست به اعتصاب خواهند زد.

در اعلامیه کارگران کوره پزخانه های کرمانشا آمده است:

ما کارگران زحمتکش بخاطر محرومیت هایی که داشته ایم همواره در کنار دیگر کارگران جامعه در مقابل رژیم که مشول این همه خرابی وضع ما بود قرار داشتیم و علیه آن مبارزه کردیم تا در فتردی پیروزی دیگر حاصل نمیشد. ما هیچ مفتخوره های زانو مفت نرود و ولی متاسفانه در این چند ماهی که از انقلاب گذشته نه تنها وضع ما زحمتکشان تفاوتی نکرده بلکه فشار بیشتر شده است و اگر هم اعتراض بکنیم می گویند صبر انقلابی داشته باش. بخاطر انقلاب گذشت کن تا زانو به همایت از گریزگی بپیرند. گذشت کن تا صاحب کار روزی جز جاکت از روزی قبل خود. چرا گذشت را آن سرمایه داران و کارخانه داران

فقط با قطع کامل وابستگی به امپریالیسم است که میتوان صنایع، بانکها و شرکتهای وابسته را ملی کرد

بقیه از صفحه ۱

شرح مختصری از زندگی رفقای که...



بنفالی او درهای تازه ای گرفت.

او در سال ۵۳ از زندان آزاد شد اما قبل از آن توسط رفیق چری از درون زندان با سازمان معرفی شد و پس از آزادی بلافاصله با سازمان در ارتباط قرار گرفت و چون وظیفه شناسی کاغذهای سلطنتی رژیم... با او گذار شد بود بعنوان عضو عالی سازمان شناساییها مورد استفاده سازمان قرار گیرد پس از شهادت رفیق کارگر، یوسف زرکاری ارتباط سازمانی اش قطع شد و تلاش جدیدی را برای ارتباط با سازمان آغاز کرد تا این که در سال ۱۳۵۳ موفق شد دوباره با سازمان تماس گرفته و با رفیق شهید اسماعیل عابدی در ارتباط تشکیلاتی قرار گیرد.

در سال ۵۴، ساواک به روابط او مشکوک شد و به خیال این که می تواند از طریق او به دیگر اعضای سازمان دست یابد او را دستگیر نمود وزیر و حیاتی ترین شکنجه ها را داد اما همه شکنجه ها بی اثر ماند و تمام اطلاعات را رین سید و حیدر حیدر در رابطه با او دستگیر نمود.

ساواک با این که نتوانست به رغم همه شکنجه های وحشیانه اش رابطه رفیق را با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران کشف کند عملاً هیچ مدرکی از رفیق نداشت با این همه او را به اتهام ارتباط با سازمان ۸ ماه زندان محکوم کرد. اما پس از سال زندان سرانجام توسط خلق ایران از زندان آزاد شد و بلافاصله فعالیت های انقلابی خود را در سازمان چریکهای فدائی خلق ادامه داد.

* رفیق دانشگری

رفیق رفیق دانشگری در سال ۱۳۲۶ در کردستان بدینا آمد والدین رفیق اهل آذربایجان بودند اما از آنجا که در میان خلق نژاد میزیستند رفیق از کودکی با پدرها و رنجهای زحمتکاران کرد آشنا شد در سال ۱۳۴۶ وارد دانشگاه شد و تحصیلاتش را در رشته داروسازی دانشگاه تبریز بی پایان رساند رفیق از سال ۱۳۴۷ پیگیرانه به مساعلات مارکسیستی پرداخت و در همان حال در مبارزات دانشجویی فعالانه شرکت داشت.

در سال ۲۹ رفیق رفیق دانشگری با منافق فکری تبریزی آشنا شد در این سال مسئله مبارزه مسلحانه برای رفقا مطرح شده بود که

رفیق در جریان آن قرار گرفت و آنرا بعنوان تنها راه رهایی خلق از زیر ستم امپریالیسم قاطعانه پذیرفت و با سازمان چریک های فدائی خلق ایران پیوست و بعد با نظر سازمان همراه رفیق فکری به تهران آمد. در آن سال، سازمان برای بی بردن به تاثیر عملیات مسلحانه روی توده های زحمتکش و وظیفه تحقیق در افکار عمومی و برخورد با نظریات تودمها را به رفیق محول کرد.

رفیق در تهران همراه رفقای شهید محمود احمدزاده - احمدزیرم و اسدالله منجانی و منافق فکری در یک خانه تیمی مشغول فعالیت بود که در تیرماه ۱۳۵۵ توسط چنیاتکاران شهریاری و ساواک شناسایی و دستگیر شد. رفیق بعد از مقاومت در زیر شکنجه های مزدوران شهریاری و ساواک از زندان شهریاری به زندان اوین و از آنجا بعد از گذراندن دوره بازجویی مجدد به زندان قصر منتقل شد و در پیدادگاه رژیم بدو سه سال زندان محکوم شد. رفیق در این پیدادگاه از حقوق زحمتکاران قاطعانه دفاع کرد و در طول زندان برای شناختن به آگاهی سیاسی خود و همزمان زندانی اش تلاشی پیگیر داشت و در کلیه مبارزات صنفی - سیاسی زندان فعالانه شرکت



* حشمت رئیسی

میکرد تا اینکه در آذرماه ۱۳۵۷ به دست توانای مردم از زندان آزاد و بلافاصله وارد صحنه های مبارزاتی تودمها شد و فعالیت های تشکیلاتی مجدد خود را در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ادامه داد.

رفیق حشمت اله رئیسی در سال ۱۳۲۸ در یک خانواده کارگری متولد شد. زادگاهش در آن دوران آتش مبارزات ضد امپریالیستی را شعله ور ساخته بود و کارگران نفت آغاچاری هنگام با دیگر کارگران حوزه نفت خیز جنوب پریم مبارزه ضد امپریالیستی را باهتر از در آورده بودند فضای شهرهای کارگری جنوب را حرکات و ازدها و مفاهیم انقلابی پر کرده بود.

استمرار و حیثیه امپریالیسم انگلیس سبب فقر و تنگدستی عظیمی برای کارگران جنوب بود تحت چنین شرایطی فقرت بی پایان از امپریالیستها در ذهن کارگران شکل میگرفت. رفیق پس از پایان دوران تحصیل ابتدائی در آموزشگاه شرکت ملی نفت در آغاچاری مشغول فراگیری حرفه های تراشکاری و

میکانیکی شد. و پس از پایان دوره مساله آموزشگاه در پالایشگاه آبادان مشغول کار شد. طی یکسال و نیمی که در پالایشگاه آبادان کار می کرد دروسهای گرانبانی از مکتب کارگران آبادان فراگرفت و یکی از بهترین دورانهای زندگی او محسوب می شود. پس از طی این مدت به پالایشگاه تهران منتقل شد و درهای آموخته را در پالایشگاه تهران بکار بست و همیشه یکی از سازماندهان انضباط پالایشگاه بود، با آغاز مبارزه مسلحانه در ایران فعالیت های صنفی-سیاسی رفیق ابعاد تازه ای به خود گرفت و به همین دلیل برای همراه کردن خود با مبارزه، با نقش قبلی



خود را به جایگاه پالایشگاه منتقل نمود. و در تکثیر و چاپ جزوات و توزیع آنها در مقیاس سازمانهای رزمنده و توزیع آنها در مدت وسیعی فعالانه بکار پرداخت. طی این مدت کتابهای زیادی را چاپ و منتشر نمود. هنگام پایان حرکت در سازماندهی انضباطات کارگری فعالانه شرکت می نمود در سال ۵۳ در پی یورش شایه ساواک دستگیر و تحت شکنجه ساواک قرار گرفت. طی ده روز اول بازجویی دژخیمان ساواک وحشیانه ترین شکنجه های جسمی و روحی را اعمال نمودند و با شکنجه و تحقیر مذبحخانه می درشتن روحیه رفیق کردند. پس از ده روز او را به یوش و بیهارستان شهریاری منتقل کردند. پس از جراحی که به بروی پایش انجام دادند با پاهای بی حرکت بعد از سه ماه به کسبته شهریاری منتقل شد و مجدداً شکنجه شروع گردید و این بار شکنجه های روحی حرباصلی ساواک گردید. رفیق پس از ۷ ماه به زندان قصر منتقل شد.

بعد از دستگیری رفیق، کارگران همزمش فعالیت های مبارزاتی خود را ادامه دادند و رفیق از درون زندان دائماً با آنها در تماس بود. مخارج خانواده رفیق را نیز هنگامی که او در زندان بود، رفقای کارگرش تأمین می کردند. پس از پایان زندان، در شرکت های حفاری نفت در جنوب به کار پرداخت و در سازماندهی انضباطات تعیین کننده کارگران حفاری. نفت در جریان قیام شرکت نمود. رفیق در هماهنگ نمودن انضباطات کارگری اهو از در ماههای پیش از قیام نقش مؤثری داشت.

رفیق در بحوه مبارزات ماههای پیش از قیام به سازمان چریکهای فدائی خلق پیوست و فعالیت تشکیلاتی خود را آغاز نمود. بعد از پیروزی قیام رفیق همراه با دیگر یاران او در میان استقبال باشکوه کارگران به پالایشگاه تهران بازگشت.

در حاشیه اجتماع دوشنبه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

در این اجتماع همگین از کاندیدهای کارگران پیشرو مهدی حاج قاضی تهرانی قاطعانه حمایت شد و جمعیت با شمار کارگر کارگر زنده بکار توأم این کاندیدار تأیید نمود.

مهدی حاج قاضی تهرانی از ۲۸ مرداد به مدت مبارزاتش بارها به زندان افتاده است. و در طی سالهای عمرش به مبارزه بی امان خود برای دفاع از منافع طبقه کارگر ادامه داده است.

در کرمهائی روز دوشنبه، گروهی عناصر مرتجع و تحریک شده، از قبل از آغاز مراسم در خیابانهای اطراف زمین چمن راهیمی میگردند و شمارهای ضد فدائی و ضد کمونیستی میدادند. این گروه مثل همیشه بارها کوشیدند به داخل جمعیت رخنه و اجتناع را از هم پاشند اما با سد محکم انتظامات و خونریزی شرکت کنندگان روبرو میشدند. آنها یکی دوبر خونسند بلندگو را قطع کردند و چندبار نیز با شمار دادن و ایجاد بحثهای جنجالی اعتراضی سعی در تحریک آزار مردم پرداختند.

بقیه از صفحه ۱

کاندیداهای سازمان...

تعبیر آور باشد زنان کشورمان بعد از قیام برخلاف انتظارشان در مقابل محدودیتهای قرار گرفتند که نشان دهنده ماهیت حاکمیت فئالی است. حاکمیت سیاسی کنونی غیردمکراتیک، محدودادامه همچنان به فعالیت های غیردمکراتیک، محدودادامه میدهد. دولت حاضر با خریدن سهام سهامداران خونخوار جهانی به شرح مردم امدادی نمی گردن منابع را میکند.

احیای ساواک با شیوه های سابق جهت حمله به نیروهای ترقی و دهم ریختن تظاهرات بوسیله گروه های فشار، گولباران کارگران اصفهان، قزوین و خرمسره، بازداشت عناصر فعال کارگری از جمله اقدامات غیر مردمی دولت است. آیا این است منی دفاع از دستاوردهای مبارزات خلق های ایران. ما از دولت کنونی انتظار نداریم که حقوق دهقانان و زحمتکاران را در نظر بگیرد زیرا این دولت نمی خواهد و نمی تواند مدافع زحمتکاران باشد مادام که طبقه کارگر در رأس مبارزات قرار نگیرد رهایی خلق از ستم امپریالیسم و سرمایه داری غیر ممکن است...

مجلس خبرگان دقیقاً آزادی و اختیار را از نایندگان مردم سلب می کند و نیز پیش نویسی که قرار است در آن تصویب برسد حقوق مردم را اعم از زن و مرد زیر پا گذاشته است. وی سپس در مورد حقوق زنان در قانون اساسی گفت: اصل ۲۲ میگوید کلیه اقشار اعم از زن و مرد در برابر قانون برابرند. کدام قانون؟ قانونی که فعالیت زنان را در بسیاری از حرکات اجتماعی محدود میکند؟ قانونی که تعدد زوجات را آزاد میگذارد؟ قانونی که حق طلاق را به مرد میدهد؟ قانونی که از زن یک موجود موجود خانه نشین می سازد و این مسئله را احترام به او قلمداد میکند؟ این قانون از اساس برابری را رد کرده است. هرگونه تبعیض برابری جنسیت باید از بین برود. این نوع تقسیم بندی افراد جامعه براساس جنسیت تقسیم تفرقه افکنانه ای برای سرپوش گذاشتن روی تشکیلات طبقاتی است. افراد در یک جامعه طبقاتی چه زن و چه مرد، بدون گروه بهره ده و بهره

مبارزات کارگران صنفی و پیشاپیش آنها کارگران صنایع نفت که در زیر رگیارهای دشمن اوج گرفت، بود که حکومت سابق را نابود کرد و پوزه امپریالیسم را به خاک مالید. مملین ترقی، استادان مبارز دانشگاه، کارمندان مبارز دولت بودند که در این قیام شرکت کردند و بندهای زوایا بوروکراتیک را از هم گسختند. آیا آزادی سیاسی بسرای این نیروها تأمین میشود؟ خلق کرد، ترکمن، ترک بلوچ، عرب همه و همه خودمختاری می خواهند و حما باید تضمین شود. بدون تضمین حق خودمختاری خلقها، وحدت و یکپارچگی ایران میسر نخواهد بود.

مصلحتی مدنی در قسمت دیگری از سخنان خود گفت: در این شرایط ما صرفاً به این علت در انتخابات شرکت می کنیم که حرکتان را با تودمها هماهنگ کنیم و به آنها بگوئیم که ماهیت این قانون اساسی چیست و چرا به سوزن میایداری. وابسته است نه زحمتکاران. دولت نمی تواند خواسته های توده را جامعه عمل بپوشاند و این را می خواهیم به مردم نشان بدهیم. ماییدانیم که حتی با انتخاب شدن در این مجلس نخواهیم توانست قانون اساسی را تغییر دهیم اما ما شرکت می کنیم تا ماهیت واقعی آن را به مردم نشان دهیم. ما سف خود را از همه سازکارانی که سعی در جلوگیری از حرکت انقلابی مردم دارند جدا می کنیم ما نشان می دهیم که صف نیروهای اپورتونست و روزبویست که فرم ارضی شاه را بعنوان حرکت مردمی شناخته بودند از صف خلق و از صف نیروهای انقلابی جدا است. آنها با شرکت در مجلس خبرگان می خواهند به گری برسد لیکن ما گری نمی خواهیم ماییدانیم. آن را افشا کنیم. پس از آن رفیق دانشگری کاندیدای دیگر سازمان به مردم معرفی شد. رفیق دانشگری در سخنان خود گفت: باوضی که نیروی حاکم برای جامعه ما پیش آورده است. شاید شرکت یک زن در مجلس خبرگان

پیش نویس قانون اساسی، برضد منافع کارگران

ابتدایی ترین حقوق کارگران و...

بقیه از صفحه ۱

جدیدی از مبارزات توده‌ها را اعلام کردند و آن را تا سرنگونی رژیم وابسته با هم‌پاییم شاه به پیش بردند. همین کارگران و زحمتکشان شهری بودند که در کنار سایر طبقات و یکمک هم‌اشکال مختلف مبارزه (از میتینگ و تظاهرات گرفته تا اعتصاب و بالاخره قیام مسلحانه) مبارزه را تا به آخر ادامه دادند و هرگز از رودر روی با دشمن هراس بدل راه ندادند و با مشت‌های گره کرده و چهره‌های سوخته و خشکین شعار «مرگ بر شاه» را با غلیظ تلاش‌های سازشکاران فریاد زدند. این کارگران بودند که با اعتصابات خودمنافع قدرت و ثروت رژیم را از او گرفتند و قدرت سرکوبگر او را عیان کردند. این کارگران و در پیشاپیش آنها کارگران مبارز و دلیر نفت بودند که در حقیقت کسر رژیم شاه را شکستند.

اما کدامیک از این خواسته‌ها در قانون اساسی پیشنهادی منظور شده است و «قانون دانان» و «خبرگان» تنظیم کننده این طرح پیشنهادی به کدامیک از این ابتدایی ترین خواسته‌ها بدل توجهی فرموده‌اند؟

اولاً «اصول ۳۰» باید گفت که این اصول بجای تأیید شورا در حقیقت آن را بارشده‌ها و بندهای متعدد و نامعین محدود کرده است و عملاً بیشتر بر محدودیت‌های آن تأکید کرده است تا بر روشن کردن توانایی‌ها و وحدت اختیارات آنها.

ثانیاً «اصل ۹» که میگوید: «... امکان کار و کوشش برای همه باید چنان فراهم گردد که هیچ‌کس مورد بهره‌کشی و استثمار دیگران قرار نگیرد» به دست است. گفته‌اید که باید چنان امکاناتی فراهم گردد که هیچ‌کس مورد بهره‌کشی و استثمار دیگران قرار نگیرد» اما بعد از اصل ۴۷ باید پذیرش «مالکیت خصوصی» (تأکید میکنیم مالکیت خصوصی و نه مالکیت شخصی که در ماده ۴۵ آن را برسمیت شناخته‌اید) عملاً و بنحوی احسن آن را نقض کرده‌اید. این دیگر امری بدیهی، بنیادین روشن و اثبات شده است که تا «مالکیت خصوصی» هست استثمار و بهره‌کشی نیز هست؛ و تا صنایع و کشاورزی ملک خصوصی سرمایه‌داران و زمینداران باشد و بازرگانی در چنگال عده‌ی بازرگان محدود بماند «امکان سلب سعی و کار حاصل از آن» وجود دارد. «سعی و کار حاصل از آن» حق (آن) کس، نمی‌شود. بعبارت ساده‌تر شما بر آب خط نوشته‌اید.

* مالکیت خصوصی: هرگاه وسایل تولید در دست یک یا گروهی از افراد باشد و این وسایل را بنحوی تولید کالا و برای کس سود در جریان تولید قرار دهند، این نحوه مالکیت را مالکیت خصوصی میگویند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران



بقیه از صفحه ۱

تاسرمایه‌داری وابسته بر قرار است...

نیز در شمار مستضعفان بودند. عده‌ای نیز برای تظلم و تروتهای که از استثمار مردم بدست آورده‌اند با بوق و کرنا مبلغ ناچیزی از ثروت کلانان را به این حساب ریختند. کار به جایی رسید که در هر شهر و محله‌ای هم می‌دانستند که حاجی فلان و کارخانه‌دار... که البته می‌خواهند ناشناس بمانند (۱۱) سر مقدار پول به مستضعفان داده است.

شرکتهای ساختمانی فلان مقدار سیمان یا آجر صدقه دادند. زمین‌داران قطعه‌ای از زمین‌هایی را که مفت بر آن‌ها چنگ انداخته بودند نذر مستضعفان کردند. این بازی را زمین‌بازان خوب می‌دانند. زمین‌داری که چند صد هزار متر یا بیشتر زمین در بیابانهای اطراف شهر دارد قطعه کوچکی از آن را به امور «عام‌المنفعه» اختصاص می‌دهد. دولت در آن زمین آبادانی می‌کند و بدین ترتیب قیمت زمینهای اطراف چندین برابر می‌شود. زمین‌خواران در گذشته نیز چنین می‌کردند، اکنون نیز به حساب مستضعفان بازمه چنین می‌کنند.

آیا خانه‌سازی برای مردم این‌جامه که تأمین ممکن مناسب از میرترین نیازهای آنان است، به این شکل مندرج در آردی می‌آید؟ خیر. البته می‌تواند واحد اینجاب، یک واحد آجیبا، مسکن ساخت و با بوق و کرنا از کرده‌ریزی تا آجرچینی و بعد انتاج این واحدها را در رادیو و تلویزیون اعلام کرد و چند خانوار متاسل را در آنها جای داد و با آنها مصاحبه کرد و از افراد «خبری» که چنین بزرگوارها کرده‌اند از جانب خلق تشکر کرد. اما کار خرابتر از آن است که درد را بتوان چنین تسکین داد، چه رسد به مداوای آن.

شکر تازه دولت بازرگان اعلام پرداخت وام مسکن از جانب «بانک ملی ایران» است. بانک ملی ایران اعلام کرده است که به کسانی که مسکن شخصی ندارند تا سیصد هزار تومان با نرخ بهره ۶ تا ۸ درصد (بغلاوه یک درصد کارمزد) پرداخت خواهد کرد. بشرط آن که ۱۵ درصد از مبلغ وام را اکنون در بانک و نیمه بگذرانند و ۳۵ درصد از هزینه خرید مسکن را خود متعهد شوند. با توجه به نحوه قیمت گذاری خانه‌ها و آپارتمانها توسط بانکها می‌توان گفت که اگر کسی بخواد یکمقدم مسکن را بخرد و آن بانک وام بگیرد و در چندین سال در حدود ۱۵۰ هزار تومان هم در داشته باشد تا خانه‌ای در حدود ۱۵۰ هزار تومان بخرد. کاری به این نداریم که چگونه می‌تواند در شهرهای ایران، به ویژه در تهران، مسکن مناسبی با چنین قیمتی تهیه کرد. مردم زحمتکش از کجا باید ۵۰ هزار تومان پیش قسط را فراهم آورند و چگونه می‌توانند در طی ۱۲ سال نزدیک به ۱۵۰ هزار تومان ابل و فرغ وامشان را پرداخت کنند؟ اما بیبینم انگیزه اصلی این سیاست چیست؟ البته تبلیغ و تظاهر به محتوا برای تسکین درد های مردم ستمدیده ما یکی از انگیزه‌های اصلی این سیاست است. اما گذشته از این دولت بازرگان، آنچه‌ان که در گذشته کرده است، بازمه می‌خواهد با روشهای کهنه و مردود اقتصاد ایران را در همان چپچه که پیش از قیام بود به حرکت درآورد...

پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را به آدرس زیر ارسال نمایند. تهران - بلوار کشاورز، خیابان دهکده (میکنه سابق) ستاد سازمان چریکهای فدایی خلق ایران. تلفن ۶۵۹۹۹۹ (ساعات مراجعه و تلفن بستان از ساعت ۴ الی ۸ عصر) آدرس بانکی - تهران، بانک ملی ایران شبه دانشگاه، شماره حساب ۳۳۵۸۸ بنام عباس فضیلت کلایم. فیش بانکی کمکهای مالی خود را که از کلیه هموطنان مبارز خواستندیم به بانک واریز شده است، مستقیماً برای ستاد ارسال دارند.

کارگران آنان، گرفتار ساخته است. سرمایه‌داری وابسته، پس از آن که در محل تولید بخش مهمی از حاصل کار کارگران و زحمت کشان را تصاحب می‌کند، در مرحله بعد و به صورت هزینه ممکن، جزء مهمی از آنچه نصیب کارگران و زحمتکشان شده است از آنان پس می‌گیرد. بسیاری از کارگران و زحمت کشانی که ۷۵ تا ۸۵ درصد درآمد خود را به صورت اجاره به صاحبخانه‌ها می‌دهند، یا این که معدودی از آنان که توانسته‌اند به زحمت وامی بدست آورند، بخش عمده درآمدشان را به بانکها می‌دهند. نظام سرمایه‌داری چون چرخ بره‌انگیزی است که حاصل کار مردم زحمتکش را در مراحل بعدی برده‌ی از آنان باز می‌ستاند. نتیجه آن می‌شود که کارگران و زحمتکشان و نیز کارمندان پایین مرتبه اداری که رویم رفته اکثریت جمعیت شهری را تشکیل می‌دهند، ناگزیر به ساعات کار خود می‌افزایند تا بتوانند از عهده هزینه زندگی که بخش مهم آن هزینه مسکن است برآیند. به عبارتی دیگر، خصوصیات نظام چنان است که بالاچار به نرخ استثمار در کل نظام می‌افزاید. مردم جامعه ما ناگزیر می‌شوند که ساعات کار خود را به ۶۰ تا ۸۰ ساعت در هفته افزایش دهند تا بتوانند روزگار بگذرانند. اگر هر کس باید با حدود ۴۵ ساعت کار در هفته امرار معاش کند، به نفع گزافی مسکن تقریباً تمامی مزد این ساعات کار به صورت هزینه مسکن پرداخت می‌شود. کارگر و کارمند شهری باید بیک نوبت اضافی کار کند تا بقیه مایحتاج مادی خود را فراهم آورد.

گرانی هزینه مسکن بوسیله سیاستهای دولتهای وابسته برای ایجاد منافع بیشتر سرمایه داران دنبال می‌کنند، تشدید می‌شود، به نفع های گوناگون شهرتها را محدود می‌کنند تا قیمت خانه‌ها و کرایه‌خانه‌ها در داخل محدوده افزایش یابد و بدین ترتیب سودهای آردی زمین سرمایه‌داری وابسته شود. افزایش قیمت زمین و مصالح ساختمانی در شهرها، خانه سازی را در انحصار سرمایه‌داران بزرگ در می‌آورد، و آنگاه دولت امتیازاتی برای این سرمایه‌داران فراهم می‌سازد. آپارتمان سازی را رونق می‌دهد، حتی برای آپارتمانهای پیش از ده طبقه معافیت مالیاتی قائل می‌شود. به پروژه‌های ساختمانی و امه‌ای ارزان می‌دهد و به هنگام کمبود مصالح، که آن عهده نتیجه سیاستهای آگاهانه دولت وابسته برای تأمین منافع بیشتر سرمایه‌داران بزرگ است، به مجریان پروژه‌های بزرگ مانند شهرک اکباتان، سهمیه بنیام و دیگر مصالح را می‌دهد. کار به جایی می‌رسد که خرید و فروش مصالح ساختمانی بوسیله این سرمایه‌داران خود نفع قابل ملاحظه‌ای را به همراه دارد. دولت اجازه شهرک سازی را در خارج محدوده زمین داران و بازرگانهای بزرگ وابسته می‌دهد، حتی به هزینه دولت برای این شهرکها عمران و آبادی می‌کند.

همه اینها گوشه‌ای است که برای استثمار زحمتکشان ما انجام شده است. در سال ۱۳۵۶، پرداخت اجاره مسکن در درآمد ملی برابر با ۵۵ درصد ارزش تولید کشاورزی ایران بوده است. یعنی صاحبان مسکن درآمدی برابر با نصف درآمد کل بخش کشاورزی که ۵۵ درصد از جمعیت ایران با درآمد آن زندگی می‌کنند، داشته است. این هزینه‌ای است که زحمتکشان شهری ایران برای تأمین مسکن، در ابتدایی ترین و نامناسبترین شکل آن، پرداخته‌اند. ۶۳ درصد از خانوارهای شهری در مسکن با ۲ اتاق یا کمتر زندگی می‌کنند در حالی که بیش از ۲۲ درصد از خانوارهای شهری جمعیتی بیش از چهار نفر دارد. گذشته از این، این واحدهای مسکونی فاقد ابتدایی ترین امکانات مسکن مناسب به شمار آورده. بدینجهت است که یکی از مبرمجین نیازهای جامعه ما تأمین مسکن مناسب برای زحمتکشان است.

اما دولت بازرگان چه سیاستی را برای تأمین مسکن زحمتکشان در پیش گرفته است؟ در ماههای نخست پس از قیام که هنوز شمار مستضعفان بسیار جاری بود و همه رهبران سیاسی خود را حامی مستضعفان می‌دانستند شمارهای نیز برای تأمین مسکن برای مستضعفان داده می‌شد. آمدن وحشی بازی کردند تا هر که می‌خواهد به مستضعفان صدقه دهد، تا از این راه خانه‌ای برای آنان ساخته شود. بسیاری از کسانی که به این حساب کمک کردند خود

داشتن مسکن مناسب حق طبیعی هر انسان است. اما در نظام سرمایه‌داری که تمامی روابط تولید بر محور مالکیت خصوصی وسایل تولید و انگیزه سودجویی است، تأمین مسکن به عنوان یکی از مسائل حاد جامعه بروز می‌کند. تمرکز فعالیت‌های تولیدی در شهرهای پرجمعیت که از خصوصیات تولید سرمایه‌داری است خود این مساله را تشدید می‌کند. زاغه نشینی و خانه بدوشی حتی در پیشرفته ترین کشورهای سرمایه‌داری بعدی عریان و عیان است که حتی مدافعان نظام نمی‌توانند آن را انکار کنند.

در کشورهای تحت سلطه کمبود و نداشتن مسکن مساله‌ای است که بخش عظیمی از مردم گریبانگیر آنند و این، ناشی از خصوصیات وابستگی است. روابط سرمایه‌داری وابسته تولید را از آنچه در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته است، بسیار مترکزتر می‌کند. بخش عمده فعالیت‌های تولیدی وابسته در پایتخت قرار دارد. در آنجاست که مراکز سرمایه، پایگاه های اصلی بانکها، کانونهای قدرت سیاسی قرار دارد. روند تکاملی سرمایه‌داری وابسته، و رابطه نزدیک فعالیت اقتصادی با دولت وابسته به امریالیسم، چنین تمرکزی را ناگزیر می‌سازد.

در ایران بیش از نیمی از فعالیت‌های صنعتی که در کارگاههای بزرگ (با بیش از ۱۵ کارگر - طبق طبقه بندی مرکز آمار ایران) انجام می‌شود در استان مرکزی است و بخش عظیم آن در اطراف تهران است. در امور خدماتی نیز وضع به همین منوال است. مراکز بانکی، بیمه، عمده فروشی، حمل و نقل و... در شهرهای بزرگ و بخصوص در تهران قرار دارد.

پوش تمرکز فعالیت‌های تولیدی سرمایه‌داری وابسته، بخش عظیمی از جمعیت کشورهای تحت سلطه را از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و پایتخت می‌کشاند. نزدیک به پنجاه درصد از جمعیت شهرستانی ایران در ۸ شهر بزرگ سکنی دارند و بیش از نیمی از آن‌ها در تهران هستند. بین سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵، که کل جمعیت ایران سالیانه ۲۷ درصد افزایش داشته است، رشد جمعیت در شهرها ۴۸ درصد و در روستاها ۱۲ درصد بوده است. این ارقام برای استان مرکزی به ترتیب ۲۸ درصد و ۵ درصد بوده است. بنابراین، ما به نفع کمترین فعالیت‌های سرمایه‌داری در چند شهر بزرگ، و بخصوص تهران، جمعیت کشور به سوی این قطبهای وابستگی کشیده شده است. - و این نتیجه گریز ناپذیر رشد سرمایه‌داری و بویژه سرمایه‌داری وابسته است.

پانچار ساله کمبود مسکن، به صورت مساله‌ای حاد، در شهرها رخ می‌نماید. شهرهای بزرگ در کمربندی از مهاجران زانینشین و کثرتین فرا می‌گیرد. حلیه آبادها، دولت آبادها، زور آبادها، و... هر کدام هزاران نفر و در مجموع بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت شهری را در خود جای می‌دهند. اینها را نمی‌توان زندگی ساکنان آنها را نزدیک مسکن می‌توان دانست. و این وضعی است که در شهرهایی چون پهبی، کراچی، بوئنوس آیرس، کویتو و سانتیاگو در کشورهای تحت سلطه به وضوح دیده می‌شود.

ساکنان این بیقوله‌ها ارتش ذخیره کارگران صنعتی را تشکیل می‌دهند. آنگاه که بازار سرمایه‌داری در روتق است این مهاجران شغلی و مزدی دارند و آنگاه که رکود رخ می‌نماید اینان چون واماندگان و پس ماندگان نظام بی رحم سرمایه‌داری، کنار زده می‌شوند. آنوقت است که هر کدام باید به گونه‌ای از دست سنگ ارز خود را بیرون آورند. آنها در سر چهارراهی باید سیکار و دیگر خرت و پرت‌ها را عرضه کنند.

این بخش از جامعه ما در سخت ترین و مضیبت‌بارترین شرایط زندگی می‌کند. در این نظام هیچ ندارد و هیچ امیدي نیز ندارد. نه از بهداشت، نه از آموزش و نه از رفاه زندگی انسانی او را بهره‌ای می‌رسد. و خانه او نیز دولت برای حمایت از منافع زمین‌داران و بازرگانهای شهری با بودلوزر به جان این مردم ستمدیده می‌افتد. گذشته از این قشر، که محرومترین قشر شهرتین جامعه سرمایه‌داری وابسته است، مسکن دیگر مردم را، جز سرمایه‌داران و

تشکیل سندیکای کارگران بوکان

سندیکای کارگران خیابان بوکان تاسیس شد و هدفهای خود را اعلام کرد: قستی از هدفها و برنامه‌های سندیکای عبارت از: ایجاد فضا و محیط مناسب برای کار؛ تلفیق بیمه خدمات درمانی و عمر کارگران خیابان و خانواده آنان با شرایط سهل و مناسب با درآمد؛ ب - بازنگینی ج - اجرای مقررات قانون کار در مورد نحوه زمان و مکان کار. د - تأمین مسکن برای کلیه اعضای سندیکا از طریق اخذ تماس با مقامات دولت و وزارت کار و سایر مشولان مربوط. ه - استفاده از خدمات پزشکی و معاینه‌دهام و همراه. و - دادن وام بیکاری به کارگران بیکار در طول ایام بیکاری و اخذ اعتبارات لازم از دولت و مقامات وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی. ز - ایجاد صندوق بیمه بیکاری و تعاون‌های مصرف و اعتبار جهت ایجاد رفاه مادی اعضا. ژ - مبارزه در راه وصول به خواست برحق خلق کرد برای خودمختاری در چهار چوب کشور ایران و سایر هدفهای رفیق‌خواهانه از جمله رفع بهره‌کشی از انسان و نابودی مظاهر طبقاتی و پستیایی از زحمتکشان ایران در مبارزاتشان علیه استثمار و وابستگی به غارتگران جهان.

هقانان، زحمتکشان و همه خلقهای ایران است

چرا شرکتهای سهامی زراعی در گرسار به وجود آمد؟

این بررسی از طرف گروهی در گرسار تهیه شده که ما با انتشار بخشی از آن و تغییر برخی از نکات در آخر به انتقاداتی که بر آن وارد است می‌پردازیم.

کشورهای غارتگر امپریالیستی مثل آمریکا ای غارت هرچه بیشتر ثروت کشورهای زیر سلطه خود، راههای مختلفی را انتخاب می‌کنند و به حیل‌های گوناگونی دست می‌زنند. ایجاد شرکتهای سهامی زراعی یکی از این روشها می‌باشد و یکی از مدعا برنامه‌های است که برای غارت کشور ما و نظیر آن در بعضی کشورهای مشابه، دست به تدارک آن‌زدند.

در زیر قسمتی از هدفهای را که امپریالیسم آمریکا و سرمایه‌داران و زمینداران وابسته به آن از ایجاد شرکتهای سهامی زراعی در سر داشتند یادآوری می‌کنیم:

۱- بپرداز اصلاحات ارضی هر کشاورز زمین خود را به تهنائی کنت می‌کرد و به علت نداشتن سرمایه کافی نمی‌توانست ماشین‌آلات کشاورزی خریداری کند و کتورهای امپریالیستی، به‌ویژه آمریکا، که بازار بزرگی برای فروش محصولات خود می‌خواهند، با همکاری رژیم متور پهلوی، شرکتهای سهامی زراعی را تاسیس کردند تا بازاری شود برای فروش محصولات و ماشین‌آلات آن با چندین برابر قیمت تمام شده آن به فروش رسانند.

۲- محصولات خام کشاورزی ما را به قیمت ارزان می‌خرند و آن را به صورت محصولات ساخته شده و مصرفی در می‌آورند و با چند برابر قیمت تمام شده و چندین برابر قیمت محصول خام آن به مردم می‌فروشند و باز سود بیشتری به جیبشان سرازیر می‌شود.

۳- بپرداز اصلاحات ارضی هر کشاورز زمین خود را به تهنائی کنت می‌کرد و به علت نداشتن سرمایه کافی نمی‌توانست ماشین‌آلات کشاورزی خریداری کند و کتورهای امپریالیستی، به‌ویژه آمریکا، که بازار بزرگی برای فروش محصولات خود می‌خواهند، با همکاری رژیم متور پهلوی، شرکتهای سهامی زراعی را تاسیس کردند تا بازاری شود برای فروش محصولات و ماشین‌آلات آن با چندین برابر قیمت تمام شده آن به فروش رسانند.

۴- محصولات خام کشاورزی ما را به قیمت ارزان می‌خرند و آن را به صورت محصولات ساخته شده و مصرفی در می‌آورند و با چند برابر قیمت تمام شده و چندین برابر قیمت محصول خام آن به مردم می‌فروشند و باز سود بیشتری به جیبشان سرازیر می‌شود.

لزوم اتحاد برای مبارزه با زمیندار

اخیرا اعلامیه‌ای در جهت شناساندن نحوه اجرای اصلاحات ارضی در «شوربلخ» از روستاهای گرسار کرمانشاه با امضاء طرفداران سازمان در کرمانشاه منتشر شده است. ما ضمن تأیید این چنین کوششهایی که شناخت مشخص مناطق مختلف ایران را مقدور می‌کند، قسمتی از این اعلامیه را نقل می‌کنیم.

«... مهمی خان یآوری یکی از زمینداران شوربلخ... در زمانی که شاهر ضای رئیس باسگاه بوده است باغات روستائیان را به روز خریه و حق و حساب رئیس باسگاه را حصوراً می‌پرداخته است.

اکنون مهمی‌خان یآوری دارای ۴۴ جفت زمین ناب است که همه را بطور مکانیزه کنت می‌کند و کلیه وسایل کنت مکانیزه



کتابخانه و محل درمان رایگان روستا به آتش کشیده شد

بالاخره با کمک چند فرد مفرش و ملوم الحال دیگر تکبیر گویان در کتابخانه را شکسته، کتابها، نشریات و عکسهای شهدا را بیرون ریخته و آتش زدند.

جانب اینجاست که علیرغم شکایت مسئولان کتابخانه و عده‌ای از اهالی پاسداران مسئولان کتابخانه را به تهمت چاقوکنی بشهر پارس بردند و آقای مجیب هم که پشتیبانی پیدا کرده بود در برابر مأمور ژاندارمری سینه سپر می‌کند و می‌گوید:

«من کتابخانه را آتش زده‌ام و اگر دوباره دایر خود بازم آتش خواهم زد».

فومن- حدود دو ماه پیش با همکاری گروهی از جوانان روستای «شولم» از توابع فومن کتابخانه‌ای در این روستا دایر شد که مورد استقبال روستائیان فرهنگدوست قرار گرفت. همچنین مسئولان کتابخانه با استفاده از کمک یک پزشک مسل کتابخانه را برای درمان رایگان روستائیان نیز مورد استفاده قرار می‌دادند.

شخصی از اهالی این روستا به نام «احمد مجیب» که لباس روحانیت دربر کرده ولی ماهیتش برهه ملوم است از همان آغاز شروع به تبلیغ سوء علیه کتابخانه کرد و

نیروهایی متزلی بوکان:

مخالفین تشکیل شورای واقعی شهر چه کسانی هستند

افراد شورای شهر از اجرای مفاد توافق نامه سرپاز زنده و هنوز هم کسانی هستند که در راه تشکیل این شورا کارشکنی می‌کنند. چند روز پیش اعلامیه‌ای از طرف دفتر هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق، جمعیت دفاع از زحمتکشان و حقوق ملی خلق کرد و شورای مشرک محلات کارگر نشین بوکان صادر گردید که در آن خطاب به مردم مبارز بوکان هشدار داده شده است که «عده‌ای مطوم الحال آگاهانه و به شکلی آشکار با تشکیل شورای واقعی مردم‌محالفت می‌وزند» همچنین در این اعلامیه خسروچ این سازمانها و گروهها از «شورای فرمایشی» شهر اعلام شده است.

در این اعلامیه هشدار داده شده است که «هر گروه یا دسته‌ای بخواهد خسروانه و بدون اطلاع مردم اقدام به اخذ تصاص در جهت استقرار شهرتانی و ژاندارمری (غیر خودمختار) کند خود مشول عواقب وخیم آن خواهد بود».

فعالیت‌های کانون فرهنگی-سیاسی خلق ترکمن

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در هفته گذشته فعالیت‌های فرهنگی اخیر خود را در منطقه ترکمن صحرا به شرح زیر اعلام کرد.

در حال حاضر کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن، ۱۳ شعبه در مراکز بخش ترکمن صحرا دایر نموده است. در مجموع ۳۳ کتابخانه روستائی توسط جوانان پیشگام ترکمن صحرا در روستاهای این منطقه ایجاد شده است. شعبه‌های کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن در مراکز بخش به فعالیت‌های چشمگیری در زمینه نمایش فیلمهای مناسب برای روستائیان پرداخته و نمایشگاههای عکس از مبارزات اخیر مردم، شهدای خلق ترکمن، شهدای درگیری‌های کردستان و نمایشگاههای کتاب ترتیب داده است.

همچنین در هفته گذشته در شهرهای گنبد، آق‌قلا، بندر ترکمن تعدادی از روستاهای منطقه، فیلمهای سینمایی اعصاب، ویتنام (چنگل خامه یافت، مبارزه ادامه دارد) کردستان و ترکمنستان به نمایش گذارده شده است.

علاوه بر این کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن میادرت به انتشار نشریه‌های به زبان ترکمنی به نام ایل‌گویی (قدرت خلق) کرده است که حاوی مسائل سیاسی و فرهنگی است.

اولین شماره نشریه، هفته پیش منتشر شد و با انتشار آن، گام ارزنده‌ای در جهت اعتلا و اشاعه فرهنگ خلق ترکمن برداشته شد.

تظاهرات روستائیان در مرند

مرند - روز چهارشنبه ۳۵ تیر، گروهی از دهقانان روستای میرآباد مرند در مقابل استانداری بنوان اعتراض به ارباب روستا که مانع دور کردن محصول است دست به تظاهرات زدند. روستائیان پلاکاردهایی در دست داشتند که روی آنها نوشته شده بود: «مرگ ارباب» نمایندگان این گروه که برای مذاکره با استاندار رفته بودند پس از چند ساعت بدون هیچ نتیجه‌ای، بازگشتند.

دهقانان بخشی از بندر ترکمن: «تا نابودی غاصبین و زورگویان»

دهقانان آواره میانوال و پخیرناور گامیشلی در بندر ترکمن در اعلامیه‌ای اعلام داشتند: با درود بر پادشاهان پادشاهان زحمتکش و مبارز که با اتحاد و همبستگی خود بر دل‌های مرتجعین وحشت‌افکننده و عرصه را بر غاصبین و زمینداران بزرگ و زورگویان محلی تنگ کرده‌اند. ارتجاع و در رأس آن غاصبین محمدرضا شاهی برای اینکه نیات پلید خود را عملی سازند انواع حیل‌ها را بکار می‌برند. روزی مارک خرابکار و مسیحین را بر پیشانی انقلابی‌ترین فرزندان خلق می‌زنند و روز دیگر حرکت انقلابی دهقانان را عملی ضد انقلابی جلوه می‌دهند. ولی دهقانان و زحمتکشان مبارز در صحنه بی‌سار آبدیده گنجانده و حیل‌های دشمن دیگر کاری نیست. در جائیکه دستگاه حاکمه عملاً به حمایت از سرملیداران و زمینداران بزرگ پرداخته است. درجایی که مبارزات پیگیر شمار اعلی ضد انقلابی جلوه می‌دهند و از بدنام کردن نیروهای انقلابی هیچ ابائی ندارند تشکل و وحدت هرچه بیشتر شا دهقانان و پیوندتان

روستائیان «آچی» سقز تشکیل شورا دادند

روستائیان آچی سقز تشکیل خود را دادند سقز - زحمتکشان روستای «آچی» در ۱۲ کیلومتری سقز در یک گردمهای به تاریخ ۱۲ تیرماه نمایندگان شورای خود را که شامل ۳ نفر خوش‌نشین، ۲ نفر کشاورز و ۱ نفر عضو اصلی و یک کشاورز بنوان عضو علی‌البدل بودند انتخاب کردند.

در قطعنامه‌ای که در پایان گردم‌های صادر شد روستائیان ضمن تأیید قطعنامه ۸ ماده‌ای شهر مهاباد (طرح خودمختاری کردستان)، شیخ خزالدین حسینی را رهبر و سخن‌گویی خلق کرد دانستند. دولت را از مذاکره با کسانی که خود را ناحق نماینده خلق

زمین از آن کسانی است که روی آن کار میکنند

بقیه از صفحه ۶

چرا شرکتهای سهامی زراعی ...

و نفس هائی است که از میزان تولید و درآمد کم خواهد شد. در اینجا ما قسمتهائی از این اشکالات را توضیح میدهیم:

۱- مسئله آب - روستاهائی که «حقآبه» کافی ندارند رساندن آب به زمینهایشان بسیار مشکل و حتی در تابستان غیر ممکن است. همینطور اگر زمینها جدا جدا باشد برای اینکه از سربك زمین آب را روی زمین دیگر ببرند، مقدار زیادی آب بهدر می رود و همینطور زمینهای که «حقآبه» ندارند دیگر زیر کشت نمیروند.

۲- قطعه قطعه بودن زمینها عملا استفاده از وسایل مکانیزه را غیرممکن میسازد و مقرون بهصرفه نیست و حیف و میل آن زیادهتر می شود و همینطور گرانتر تمام می شود. مثلا شخم با تراکتور چه زمین ۲ هکتار و یا ۲۵ هکتار باشد، تفاوت هزینههای آن در مقایسه ۲۵ هکتار با ۲ هکتار بسیار رانندگاست اما اگر ۲۵ هکتار به قطعات ۲ هکتاری تقسیم شود و لازم باشد تراکتور بطور مجزا برای هر یک شخم بزند کاری بیشتر و هزینههای زیادهتر را ضروری خواهد ساخت (چرا که تراکتور مجبور است در قطعات کوچک مرتب چند مرتبه دور زده و آخر سر هم گوشههای زمین شخم نخورده باقی میماند که باید مجدداً با بیل آن را شخم زد و هر کشاورز باید یک تراکتور داشته باشد که چنین امری مقنن نیست. در مورد استفاده از آب هم مشکلاتی به بار خواهد آمد. که آن هم مزید بر علت می باشد).

۳- جمع آوری و رساندن محصولات به بازار با زحمت بیشتری همراه خواهد بود و در مواردی باعث خرابی محصول هم خواهد شد. مثلا اگر دو هکتار خربزه کاری داشته باشیم باید سیر کنیم تا بتوانیم یک ماشین پیدا کنیم و چس خود را به بازار ببریم چون دیگران هم که دارای قطعات دیگری در همین حدود هستند احتیاج به ماشین برای حمل و نقل محصول خود دارند. با توجه به کمبود وسایل حمل و نقل در روستاها طبیعتاً باید عمدهای منتظر بمانند تا نوبت حمل محصول آنان فراهم شود. ولی در صورتی که مثلا ده نفر زمینهای ۲ هکتاری خود را با هم کشت کنند (زمینهای که در کنار هم قرار داشته باشند) یکبار ۲۵ هکتار محصول پايك وسیله حمل شده و از خرابی و یا حیف و میل محصول خواهد کاست.

۴- سپاسی زراعت در زمینهای قطعه قطعه با خرج زیاد - مشکلات فراوانی رویرو است. ۵- یک کشاورز به تنهایی نمیتواند از پس مخارج کشت برآید چون سرمایه اولیه ندارد و مجبور می شود محصول خود را ارزان پیش فروش کند و یا وام با بهره زیاد بگیرد و علاوه بر اینها زحمتی که تک تک کشاورزان برای کشت محصول بر روی زمینهای قطعه می کنند بسیار زیاد است و چون نیروی بیشتری را صرف می کنند بهمان نسبت پائین

مطلوب بدست نمی آورند. رفا در قست آخر بررسی خود مسئله اداره کردن شرکتهای سهامی زراعی را که قبلا از طرز اداره آن به وسیله عوامل سرمایه داران و زمینداران وابسته صحبت کردند اما در موقع دادن رهنمود باید به مشکل دهقانان و جلوگیری از پراکندگی دهقانان توجه می کردند. چرا که رهنمود باید همیشه حل مسئله را بطور روشن و صریح بیان کند. چنانچه به اداره زمینهای مساحره شده به وسیله دهقانان بی زمین و محروم در بعضی مناطق توجه کنیم خواهیم دید طرز اداره زمینها عدالتا از طریق شوراهای دهقانی پیش می رود که آنها از راههای مختلف منحص و با استفاده از تجربیات فراوان، به نتایج مطلوبی رسیده است. لازمست هرچه بیشتر نتایج بدست آمده در اداره روستاها را از طریق شوراهای روستائی تمییم دهیم و در آن منطقه مشخص هم برای اداره زمینهای تکیه برای شرکتهای سهامی زراعی در نظر است به تشکیل شوراهای روستائی پرداخت. چرا که تنها با انتخابانی آزاد و با انتخاب نمایندگان قابل اعتماد و آگاه کشاورزان محروم و مستعد به خواستههای خود خواهند رسید و دیگر تحریک و توطئه زمینداران بزرگ و عوامل آنان مانند گذشته موفق نخواهند بود و کشاورزان نیز با تمییم اولویتهای زندگی روستائیان از طریق شورای روستائی منتخب خود گامهای مؤثری را به جلو خواهند گذاشت مسئله تشکیل تعاونها در رابطه با تشکیل شوراهای دهقانی و ایجاد آن از طریق خورا بسیار اساسی است. ضمنا لازمست در رابطه با خواستههای دهقانان، وظایف دولت و مسئولین را در انجام این خواستهها که منطبق با شرایط موجود در هر منطقه ای است روشن و مشخص بیان کرد. تا کشاورزان از طریق شوراهای روستائی خود در پی تحقق حقوق پایمال دشمنان به مسئولیتهای دولت در مقابل خود به خوبی واقف شوند.

آگاه شدن روستائیان در قبال این تعهدات از طرف دولت و همچنین چگونگی حل مسائل روستا عدالتا مسی بايست - به وسیله نمایندگان گان در شورا و یا افراد آگاه دیگری که در راه تأمین منافع دهقانان سرمایه تپلاش کرده اند صورت پذیرد. تشکیل اجتماعاتی در روستا با اعلام قبلی در مواقعی که کشاورزان فرصت بیشتری دارند می تواند موقیعت مناسبی برای بحث و گفتگو درباره مسائل مورد علاقه آنان باشد. با همکاری مستر ومداروم عناصر آگاه می توان در امر باورری نقش شوراهای دهقانی در زمینهی هدنهای شورا که همانا وحدت هرچه بیشتر بین زحمتکشان روستا و کوشش در جهت بدست آوردن نیازها و خواستههای برحق کشاورزان زحمتکش است گامهای مؤثرتری را پیش برد.

دولت انقلابی نیکار اگوئه برنامه اقدامات فوری خود را اعلام کرد

۲- شرایط و اوضاع کار در معادن تغییر خواهد کرد. کلیه معادن به خلق واگذار خواهند شد کارگران معادن در ادارهای آنها شریک خواهند شد. زمان کار آنها کوتاه خواهد شد. دستمزدها عادلانه دریافت خواهند کرد و از تمام بیمه های اجتماعی برخوردار خواهند گردید. مکن در خور انسان و آموزشگاه برای آنان و کودکان آنها، درمانگاه و موسسات تفریحی برای دوران رخصتی آنها ایجاد خواهد شد. زندگی تمام کارگرانی که در معادن فداي استثمار ظالمانه شده و اینک بیسازند و یا به گدائی افتاده اند فوراً تأمین خواهد شد.

۵- شرایط کار در شهرها دگرگون خواهد شد. حکومت ساندینستی از همان ابتدای کار علیه بیکاری مبارزه خواهد کرد تا به کلیه اهالی نیکار اگوئه کار شایسته ای واگذار نماید. حداقل دستمزد کارگران از نو تعیین و تثبیت خواهد شد و کارگران متشکل شده خود اجرای دقیق قوانین کار و اجرای ساعات تعیین شده را در کارخانجات، در کارگاهها، در درمانگاهها، در موسسات حمل و نقل کنترل خواهند کرد. کار هرچه باشد باستی در شرایط انسانی انجام گیرد. کلیه قوانین و مقرراتی که با حقوق کارگران مغایرت و منافات داشته باشد ملغی خواهد گردید.

۶- آموزگاران از شرایط کار جدیدی برخوردار خواهند شد.

۷- مستخدمین و کارمندان شرایط کارشان دگرگون خواهد شد.

۸- مشکل شدن آرزوهای دهقانان در اتحادیه های کارگران برای کلیه کارگران، کلبه ی کارگران شهر و روستا. پیشهوران، کارمندان، و مستخدمین و استادکاران بدون هیچ محدودیتی حق دارند آزادانه اتحادیه های صنفی خود را تشکیل دهند و این حق آنان تضمین خواهد شد. حکومت ساندینستی تشکیل اتحادیه ها را تشویق خواهد کرد تا از این طریق کارگران و زحمتکشان بتوانند از دستاوردها و از حقوق خود دفاع کنند.

۹- قیمت نیازمندیهای زندگی دیگر بیسته ترقی نیابد.

حکومت ساندینستی قیمت تمامی کالاها و فرآورده های مهم برای زندگی را مانند مواد غذایی، پوشاک و دارو و غیره... کنترل خواهد کرد.

جبهه آزادیبخش ملی ساندینستی که با مبارزات خونین و مسلمان خلق نیکار اگوئه تولمت دیکتاتوری سوموزا را سرنگون کند، برنامه اقدامات فوری خود را اعلام کرد. این برنامه شامل اقدامات فوری و عاجلی است که بلافاصله در جهت تحقق خواسته های خلق نیکار اگوئه بعمل خواهد آمد. خلاصه ای از مواد برنامه عاجل اعلام شده دولت انقلابی ساندینستی در زیر می آید.

۱- ما از تمام اموال خاندان سوموزا سلب مالکیت می کنیم:

فورا تمام زمینها و املاک خاندان سوموزا ضبط خواهند شد. تمام چراگاهها، تمام پلانتازهای قهوه، نیشکر، تنباکو، ذرت، خاویزها، تمام کارخانها، تمام کارخانجات قند، سیمان، گچیزی، تمامی موسسات بالسی و پولی، شرکتهای ساختمانی، بانکها و سایر شرکتهای ضبط خواهند شد. خلق به کمال این موسسات به سود خویش به امر تولید خواهد پرداخت. کارگران و کارمندان موسسات نامبرده در کنترل و اداره ای امور این موسسات شرکت خواهند کرد.

۲- مالکیت ارضی خواهیم کرد. تمام املاک و زمینهای خاندان سوموزا و افسران عالی رتبه ای ارتش که در غارت و جاول زمینها و در بیرون راندن و اخراج دهقانان از زمینهایشان دستار خاندان سوموزا بوده اند بین دهقانانی که بر زمینها و تمام کسانی که مالکند روی زمین کار کنند تقسیم خواهند شد. دیگر هیچ کس نخواهد توانست از طریق بهره مالکانه یا اجاره های زمین و یا از راه قیمت زمین جیب خود را پر کند.

۳- خلق شرایط کار را در روستا دگرگون خواهد کرد. ما به «وقت کشی» (بیکاری های فصلی - مترجم) خانه خواهیم داد و تلاش خواهیم کرد در سراسر سال کار وجود داشته باشد. کارگرانی که نیشکر می برند. کارگرانی که قهوه، تنباکو و پنبه کشت و برداشت می کنند و تمام کارگرانی که در کشاورزی بکار خواهند پرداخت مزد مناسب و عادلانه ای دریافت خواهند کرد.

با گرانفروشی و کمفروشی مبارزه خواهیم کرد. کارگران نیشکر دیگر از مواد شیمیائی مسموم نخواهند شد. برای کارگران کشاورزی مکن مناسب ساخته خواهد شد.

اعتصاب ۲۵ هزار راننده اتوبوس در پایتخت و یکی دیگر از شهرهای بزرگ برزیل

ریودونانیرو - ۵ روز ۱۵ تیرماه ۲۵ هزار راننده اتوبوس در ریودونانیرو دست نمی شد. و به همین علت فعالیتها در مرکز به اعتصاب زدن. این دومین اعتصاب آنها شهر ریودونانیرو به مسورت تعطیل درآمد. روز در شش ماهه اخیر است. همکاران آنها همان روز در بیلهوزیروته سومین شهر بزرگ برزیل، دست از کار کشیدند. علت اعتصاب رانندگان این دو شهر بزرگ برزیل افزایش دستمزد بود. کارگران تصمیم گرفتند که برای مدت ۲۴ ساعت اعتصاب کنند و اعلام داشتند راغیر قانونی اعلام کرد.

در صورتی که شرکتهای اتوبوسرانی این دو شهر به درخواست آنها جواب مثبت ندهند، این مدت را تمدید خواهند کرد. اعتصاب بطور کامل صورت گرفت و در قانونی است.

اعتصاب کارگران باراندازهای فرانسه

کارکنان باراندازهای فرانسه روز دوشنبه ۱۸ تیرماه ۵۸ اقدام به اعتصاب دوروزه ای کردند. دلیل اعتصاب آنها تقاضای افزایش دستمزد دوران بیکاری است. مذاکراتی بین اتحادیه های کارگری و مدیران از دگرگنر گذشته آغاز شده است. همچنین تقاضای باراندازها افزایش دستمزد بازنشستگی را در بر می گیرد. این اعتصاب یکی از اعتصابهایی است که به تازگی بر فعالیت

بقیه از صفحه ۶

رهنمود به هواداران

بهر این وظیفه رهنمودهای زیر دقیقاً باید مورد توجه قرار گیرد. کلیه نیروهای هوادار سازمان باید از کلیه وسائل مکن از قبیل پخش تراکت، اعلامیه، روزنامه، پوستر و گفتگو با مردم در کوچه و خیابان و محله ها، ترتیب دادن جلسات بحث و گفتگو در محلات فقیرنشین، ترتیب دادن سخنرانی های مومنی در مناطق مختلف بویژه محلات فقیرنشین، شرکت در جلساتی که توسط سایر نیروها تشکیل می شود و دفاع از منافع کارگران، دهقانان و زحمتکشان در این جلسات و غیره به اهداف برز مدت طبقه کارگر و هدف از شرکت در این انتخابات را برای توده های مردم توضیح دهند. برای پیشبرد و یازدهی بیشتر و بهتر هر چند نفر میتوانند یک تیم تبلیغ و ترویج تشکیل داده به میان کارگران و دیگر زحمتکشان بروند و به بحث و گفتگو و توضیح و تشریح اهدافمان بپردازند. یقیناً شرکت سازمان یافته هواداران سازمان در این انتخابات گام مؤثری خواهد بود در جهت آگاه ساختن توده ها و بسردن آگاهی سوسیالیستی و دگرگنر میان آنان و تحکیم پیوندها، با توده های زحمتکش در راس آن طبقه کارگر. ماهیت پیشرویی قانون اساسی و مجلسی غیرگان را برای توده ها آشنا کنیم.

اهداف نیروهای انقلابی از شرکت در انتخابات مجلسی غیرگان افتای ماهیت نیرو های حاکم، افتای ماهیت و منشون پیشرویی قانون اساسی و مجلسی «غیرگان» است. هدف ما از شرکت در انتخابات بالا بردن آگاهی توده های زحمتکش و گسترش پیوندهای سیاسی تشکیلاتی مان با توده های زحمتکش و در راس آنها طبقه کارگر است. در شرایط کنونی باید بیشترین تلاش را جهت توضیح اهداف طبقه کارگر و بالا بردن آگاهی توده های زحمتکش بکار بست. در این راه نیز نباید تنها به امکانات محدودی که احتیالا دولت در اختیار نیروهای شرکت کننده قرار می دهد (رادیو - تلویزیون) اکتفا کرد. تکیه اساسی ما باید بر نیروهای خودمان و امکانات خودمان باشد و هر فرد هوادار طبقه کارگر بمتابه یک مبلغ و مروج باشد بیان توده های زحمتکش رفته و آرزوهای طبقه کارگر و اهدافمان را از شرکت در این انتخابات برای آنان توضیح دهد. از این طریق توده ها را به متافق واقعی شان آگاساخته و پیوند نیروهای هوادار طبقه کارگر را با توده های زحمتکش هرچه بیشتر گسترش داده و مستحکم نماید. در انجام این وظیفه خطیر مسئولیت سنگینی بر دوش هر فرد انقلابی قرار دارد. منظور اجرای هر چه

زندگی خود بودند. هنوز به هیچیک از خواسته های اساسی و واقعی خود نرسیده اند. نیروهایی که به ملت شرف جنبش کارگری و کلبه های کاه می و تشکل توده ها رهبری جنبش را بدست گرفته و پس از سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه قدرت سیاسی را قبضه کرده اند. بنا به ماهیت طبقاتی و توان تاریخی خویش حتی قادر به برآوردن ابتدائی ترین نیازهای توده های زحمتکش میهنمان نیز نیستند. توده های زحمتکش و نیروهای مبارز و انقلابی هر روز با فشارهای بیشتری از جانب نیروهای حاکم رویرو می شوند. شوراهای کارگران، دهقانان و کارمندان و پرسنل انقلابی ارتش زیر فشار و در خطر نابودی قرار گرفته اند. اجتماعات مورد حمله قرار می گیرند و وسائل ارتباط جسمی نظیر تلویزیون و رادیو در انحصار نیروهای حاکم قرار گرفته است. نیروهای حاکم مجلسی موسسان به مجلسی غیرگان و محدود نمودن نیروهای انقلابی و مترقی عملا مانع شرکت نمایندگان واقعی توده های زحمتکش در تعیین قانون اساسی شده اند. در چنین شرایطی انتخابات مجلسی به اصطلاح «غیرگان» برگزار می شود. آنچه مسلم است در این اوضاع و احوال امکان راه یافتن نمایندگان واقعی توده های زحمتکش به این مجلس ضعیف است و بنا به همین شرایط،

ما خواهان حق تعیین سرنوشت برای همه خلقهای ایران هستیم

چه کسانی در مریوان توطئه می کنند

● اهالی مریوان بخاطر اعتراض به کمیته‌ها و پاسداران، زاد و بوم خود را ترک می کنند

در کردستان فجایع بسرت و یکی پس از دیگری پیش می آید. فجایی که با توطئه چینی‌های فئودالها، عمال رژیم سابق و مرتجعین با همکاری قیاده موقت علیه دهقانان، با تمام مردم زحمتکش و نیروهای مترقی بوقوع می پیوندد. در این بین رادیو تلویزیون با تحریف حقایق، آتش این توطئه‌ها را تیزتر می کند و تجاوز آشکاری را که بر خلق کرد روا می شود وارونه جلوه داده، بجای کمک به حل اصولی مسأله، عملاً میکوشد زمینه را برای سرکوب توده های محروم و بیجان آماده منطقه فراهم سازد و افکار عمومن را برای تأیید ناگاهانه چنین عملی آماده کند.

فاجعه مریوان چگونه به وقوع پیوست؟ چرا مردم مریوان کوچ میکنند؟

عناصر ضد خلقی (عمال رژیم سابق، فئودالها، قیاده موقت...) روز ۲۱ تیرماه، تحت عنوان «سپاه پاسداران انقلاب» متشکل شدند و گروهی بنام «گروه ترور» (با کارتهای عضویتی با همین عنوان که نمونه آن در این شماره چاپ شده است) تشکیل دادند. مردم مریوان بعد از اطلاع از این توطئه که عناصر مرتجع و منفور از جمله قیاده موقت از طراحان آن بودند به اعتراض پرداخته و مصراحتاً خواستار تعطیل پاسدارخانه کمیته شدند. روز ۲۳ تیرماه همه مردم مریوان: اتحادیه کارگران، اتحادیه دهقانان (یکپیتی جریاران)، اتحادیه زنان، جمعیت دفاع از حقوق خلق کرد و بازاریان تظاهراتی بنظور اعتراض به روش مفرضانه رادیو تلویزیون بخاطر تحریف اخبار و وقایع برپا کردند. آنان پس از قرائت قطعنامه ۷ ماده ای خود در محل رادیو تلویزیون، در بازگشت، جلو مقر پاسداران متوقف می شوند و اعلام می کنند که چون این کمیته ماهیت ضد مردمی دارد باید برچیده شود و از افراد کمیته میخواهند که به آنها ملحق شده، دست از توطئه و تفرقه بردارند. مأمورین کمیته اعلام موافقت کردند ولی وقتی چند نفر از ریش سفیدان، بازاریان و عندهای از تظاهر کنندگان برای ملحق شدن به آنها بطرف ساختمان حرکت می کنند به سوی آنها شلیک می کنند. دوتن از اعضای اتحادیه دهقانان در جا کشته می شوند. این حادثه خشم مردم را برمی انگیزد و درگیری آغاز می شود و طی مدت درگیری ۷ نفر از پاسداران و سه نفر از مردم کشته و عددهای زخمی می شوند. ۳

تن از پاسداران زخمی شده عضو «قیاده موقت» هستند. پس از این واقعه حدود صد نفر پاسدار از کرمانشاه به پادگان مریوان منتقل می شوند و صد نفر پاسدار نیز از تهران به مریوان می روند روز یکشنبه ۲۴ تیر در حالیکه شهر آرام بود جلسه ای با شرکت معاونت استانداری کردستان، ستم از اعضای شورای سنج و تمام گروه های مترقی مریوان تشکیل گردید و قرارداد که پاسداران اعزامی به مریوان به مرکز عزیمت کنند و انتظارات شهر بینه کمیته انتظارات شهر باشد، اما رادیو تلویزیون خبر توافقنامه را بگونه ای تحریف می کند که گویا قرار شده است انتظارات شهر بهینه پاسداران گذاشته شود.

روز ۲۸ تیر بین شورای موقت شهر مریوان که از ۷ عضو تشکیل شده، با فرمانده پاسداران مستقر در پادگان ملاقاتی صورت می گیرد که طی آن فرمانده پادگان خواستار کنترل شهر بوسیله پاسداران یا ارتش و همچنین عضویت یک پاسدار در شورای شهر می شود. شورای موقت شهر در مورد کنترل شهر با فرمانده پادگان به توافق نمی رسند.

مردم مریوان در برابر این توطئه ها تصمیم به کوچ کردن از شهر گرفته و آن را عملی ساختند. استاندار جدید کردستان کوچ اهالی مریوان را نه نشانی از ناچاری آنان بلکه عمدتاً نتیجه تحریکات به حساب می آورد و بجای چاره جویی اصولی، تهدید به استفاده از قدرت می کند. آقای استاندار بجای ایجاد زمینه برای تشکیل شورای شهر (که در مذاکرات ۲۴ تیر مورد موافقت معاون ایشان قرار گرفته بود) برای سرکوب اهالی زمین سازی می کند (اطلاعات - اول مرداد ۵۸ - شماره ۱۵۹۱۱).

به کارگرفتن شیوه ارباب و سرکوب توده های مردم و خلقها گذشته از اینکه اساساً مسأله ای را حل نخواهد کرد وحشت و یکپارچگی خلقها را نیز از بین خواهد برد. ماهیت مجریان چنین شیوه هایی را برای توده های آگاه و مبارز افشا خواهد کرد سرکوبی خلق کرد و حمایت آشکار از فئودالها و مرتجعین، خدعت می چون و چرا به امپریالیسم است، که شادمانه نظاره گر کانیایی های خوش با کک عاقلی نظیر قیاده موقت - پالیزیان، اویسی و ... در منطقه است.

یاد فدایی شهید رفیق عباس جمشیدی رودباری گرامی باد



رفیق عباس جمشیدی رودباری یکی از قهرمانان مقاومت در زیر شکنجه های ساواک است. او که از نخستین اعضای تشکیل دهنده سازمان چریک های فدائی خلق بود نقش موثری در بازسازی سازمان پس از ضربات سال ۵۵ داشت، به مدت دو سال از اواخر تیرماه سال ۱۳۵۱ که در یک درگیری دستگیر شد (ولی رژیم بهدروغ خبر شهادت او را منتشر کرد) تا مردادماه سال ۱۳۵۳ بطور مداوم در زندان کمیته زیر وحشیانه ترین شکنجه ها قرار داشت. سرانجام در خیمان که از مقاومت رفیق به ستمه آمده بودند در بامداد دوم مرداد ۱۳۵۳ او را به جوخه اعدام سپردند. اکنون بنسبت پنجمین سالگرد شهادت رفیق، با چاپ متن وصیتنامه او که پس از قیام اخیر به دست ما افتاده است یاد او را گرامی میداریم.

وصیتنامه غیر نظامی عباس جمشیدی رودباری فرزند محسن در سحرگاه ۵۳۵۲۲

پدر و مادر عزیزم
قرار است اینرا بمنصوبان وصیت بشما بنویسم. ولی شاید خودتان هم خوب میدانید وصیت من آنطور که بر طبق معمول نوشته میشود، در یک جمله تمام شدنی است: به هیچکس بدهی و از هیچکس طلبی ندارم. اما اگر وصیت من را آنطور که معمول آمدهای سیاسی است بنویسم، چیزهایی برای نوشتن وجود خواهد داشت.

از شما بعنوان پدر و مادر راضی و ممنونم، آرزویم اینستکه شما هم از من بعنوان فرزند راضی باشید. اینرا میدانم که بخاطر من خیلی ناراحتی کشیدید، اما این نمیتواند و نباید علت ناراضی شما از من قرار گیرد. میدانید آخر همه چیز که بخانواده ختم نمیشود، خیلی چیزهای دیگر و آمدهای دیگر هستند که آدم نسبت به آنها تهدد دارد، و اگر بخواهد آدم بماند باید به قیمت که

شده، به تهنش عمل کند. راهی را که انتخاب کرده ام ب حساب فقدان احساسات خانوادگی ام نگذارید! شما فرزندی را بیامرزید که احساسات خانوادگی اش را پای احساسات برابرتب بزرگتری فدا کرده است.

همیشه و عمیقاً آرزوی دیدارتان را داشته ام هر چند هم که آرزوی محالی بوده باشد.

بعنوان آخرین سخن اینکه هرگز برایم ناراحت نباشید، زیرا من با چشمهای باز راهم را انتخاب کردم.

با بهترین آرزوها
آدرس مازندران شیرگاه روبروی بهداری منزل محسن جمشیدی
نماینده دادستانی ارتش - سرگرد علی اکبر نادریان
نماینده مذهبی متقی
فرمانده گردان زندان ستوان حسن زاده
نماینده شهربانی سوانیکم آهنیکر
نماینده ساواک

مبارزات کارگران نفت گچساران

● کارگران پیمانی نفت گچساران روزی ۲۷ تومان حقوق می گیرند.

گچساران - کارگران پیمانی شرکت نفت گچساران که روز شنبه ۵۸۲۱۹۹ برای دومین بار دست به اعتصاب زده بودند باین شمار که «تا تحقق کامل خواستهایمان به مبارزه ادامه می دهیم» بر سر کارهایشان بازگشتند.

کارگران پیمانی شرکت نفت گچساران (پیمانکاری زکی بختانی - حاج رضائی - قاضل شریعتی - هدایت الله فرخی و...) که خواستار حقوق پایمال شده شان هستند از مدتی پیش با مسئولین شرکت نفت، اداره کار، کمیته شهر و کمیته صنعت نفت گچساران مذاکره می کردند اما هر بار تنها جواب آنها این بود که: «صبر انقلاب داشته باشید!» از آنها که مذاکرات به نتیجه ای نرسید

کارگران روز چهارشنبه ۵۸۲۱۹۹ برای اولین بار دست از کار کشیدند با مسئولین شرکت نفت و رئیس کمیته صنعت نفت (که شمس ناشناسی است و منتخب کارکنان صنعت نفت نیز نمی باشد) به مذاکره نشستند. خواستهای کارگران مورد قبول مسئولین قرار گرفت و آنها قول دادند که تا ۳ روز بعد به کلیه خواستهای آنها عمل شود ولی پس از گذشت یک هفته از مهلت تعیین شده هیچگونه اقدامی انجام نشد و بهمین دلیل کارگران دوباره دست از کار کشیدند. دومین اعتصاب کارگران که دو روز بطول انجامید با قول فرماندار گچساران و با حسن نیت کارگران خاتمه یافت.

کارگران پیمانی که با دستزد روزی ۲۷ تومان کار می کنند خواهان رسیدگی به خواستهای زیر می باشند:

- ۱ - رسی شدن کارگران پیمانی و استخدام آنها در شرکت نفت و کوتاه شدن دست واسطه ها و پیمانکاران.
- ۲ - پرداخت مبلغ ۷۵۰۰ ریال اضافه حقوق بطور ماهیانه که می بایست از اول مهرماه ۱۳۵۷ حساب شود.
- ۳ - تعطیلی روز پنجشنبه (این روز رسماً توسط شرکت نفت برای کارگران و کارمندان صنعت نفت تعطیل می باشد)
- ۴ - پرداخت ۱۲۰۰۰ ریال هزینه مسکن و ۲۵۰۰ ریال پرداخت حق جیره غذایی در ماه.
- ۵ - پرداخت بوقع دستزدها.

بسم الله الرحمن الرحيم
أقرء بسم
نام مجاهد شهید
شماره ۴۷
تولد ۱۳۰۹
سازمان مجاهدین مریوان
و حومه
با صدور کارت ۱۵/۱/۵۸

اختناق با چهره های جدید

کمیته جمهوری اسلامی شهر صنعتی البرز (قزوین) بخش و نسب هرگونه اعلامیه ای را در صورتی مجاز دانسته که مهر کمیته انقلاب شهر صنعتی البرز بر آن زده شده باشد این کمیته که اعلامیه خود را خطاب به مسئولین واحدهای تولیدی نوشته است از آنها درخواست کرده در صورت مشاهده متعلقین آنها را به کمیته معرفی کنند تا اقدامات لازم انجام شود!

متن اعلامیه کمیته جمهوری اسلامی شهر صنعتی البرز یادآور اعمال اختناق آمیز و تهدید نامه های دستگاههای آریامهری است که خود را «قیمه» و همه کاره مردم می دانستند و بجای آنها بیانی می دادند و تصمیم می گرفتند. آنچه در پشت پرده عبارات این اعلامیه به چشم می خورد مخالفت علنی با خواستها و اعتراضات برخی کارگران علیه استشارگران و سرمایه داران است و «اعلامیه» با مخاطب قراردادن «مسئولین واحدهای تولیدی» این منا را به خوبی رسانده است.

تحصن دانش آموزان، پیشگام در استانداری

بندرعباس - به دنبال بسته شدن دفترها مکتب پیشگام واقع در خانه فرهنگیان که از طرف اداره آموزش و پرورش و به تحریک عناصر معلوم الحال و مشکوکی صورت گرفت کمیته بنیاد تک نظری و مواضع طبقاتیشان نمی توانند وجود نیروهای مترقی را در اجتماع تحمل کنند، دانش آموزان، دانشجویان و معلمین پیشگام بندرعباس پس از اینکه مذاکراتشان با مدیر کل آموزش و پرورش (در تاریخ ۷ تیرماه ۵۸) و با استاندار (۸ تیرماه ۵۸) به نتیجه ای نرسید، با مطرح کردن خواستهای زیر در استانداری استان ساحلی از تاریخ ۱۱ تیرماه ۵۸ تحصن اختیار کرده اند. خواستها:

- ۱- ایجاد شرایط دموکراتیک برای فعالیت تمام گروه های ضد امپریالیستی.
- ۲- در اختیار گذاشتن مکانی جهت سخنرانی و نمایش فیلم در موارد لزوم.
- ۳- تثبیت یک مکان دائمی برای پیشگام.

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا و وابستگانش